

بسمه تعالی

**مروری بر تجربیات همگرایی اقتصادی در جهان و
فرصت‌های پیش روی ایران**



آبان‌ماه ۱۳۹۹

۴	خلاصه مدیریتی
۵	بخش ۱. مقدمه
۸	بخش ۳. همگرایی اقتصادی؛ تعاریف و ابعاد
۸	۱- منطقه، منطقه‌گرایی، همگرایی و مراحل تعمیق آن
۸	۱-۱- منطقه
۸	۱-۲- منطقه‌گرایی
۹	۱-۳- همگرایی
۹	۲- مراحل تعمیق همگرایی
۱۰	۲-۱- مرحله اول: موافقتنامه تجارت ترجیحی (PTA)
۱۰	۲-۲- مرحله دوم: موافقتنامه تجارت آزاد (FTA)
۱۰	۲-۳- مرحله سوم: اتحادیه گمرکی (CU)
۱۱	۲-۴- مرحله چهارم: بازار مشترک (CM)
۱۱	۲-۵- مرحله پنجم: اتحادیه اقتصادی (EU)
۱۱	۲-۶- مرحله ششم: اتحادیه اقتصادی و پولی (EMU)
۱۱	۲-۷- مرحله هفتم: همگرایی کامل اقتصادی (CEI)
۱۱	۳- مروری بر اتحادیه‌ها و سازمان‌های همکاری در جهان
۱۲	۳-۱- اتحادیه اروپا (EU)
۱۳	۳-۱-۱- نهادهای مالی اتحادیه اروپا
۱۳	۳-۱-۲- بانک سرمایه‌گذاری اروپا
۱۴	۳-۲- آسه‌آن (ASEAN)
۱۵	۳-۳- سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)
۱۵	۳-۳-۱- اهداف OECD
۱۶	۳-۳-۲- ساختار OECD
۱۶	۳-۴- سازمان همکاری منطقه‌ای آسیای جنوبی (SAARC)
۱۷	۳-۴-۱- اهداف سارک
۱۷	۳-۴-۲- اعضای سارک
۱۸	۳-۴-۳- تشکیلات سازمان
۱۸	۳-۵- بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (MERCOSUR)
۱۹	۳-۵-۱- اهداف مرکوسور
۱۹	۳-۵-۲- ساختار مرکوسور
۲۰	۳-۶- سازمان همکاری اقتصادی آسیا-پاسیفیک (APEC)
۲۱	۳-۶-۱- اهداف سازمان اپک
۲۱	۳-۶-۲- کمیته‌ها و کارگروه‌های اپک

- ۳-۷- اتحادیه آفریقا (AU)..... ۲۲
- ۳-۷-۱- اهداف اتحادیه آفریقا..... ۲۳
- ۳-۷-۱- ساختار اتحادیه آفریقا..... ۲۳
- ۳-۸- اتحادیه تجارت آزاد اروپا (EFTA)..... ۲۴
- ۳-۸-۱- ساختار افتا..... ۲۴
- ۳-۹- اتحادیه مدیترانه (UFM)..... ۲۵
- ۳-۹-۱- ساختار اتحادیه..... ۲۶
- ۴- سازمان‌های منطقه‌ای در میانه و غرب آسیا..... ۲۷
- ۴-۱- سازمان همکاری اقتصادی (ECO)..... ۲۷
- ۴-۱-۱- مصاحبه: مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت اکو در رسیدن به اهداف..... ۲۹
- ۴-۲- اتحادیه اقتصادی اوراسیا (Eurasia Economic Union)..... ۳۰
- ۴-۲-۱- اهداف اتحادیه اقتصادی اوراسیا..... ۳۱
- ۴-۲-۲- مصاحبه: مزیت حضور ایران در اتحادیه اوراسیا..... ۳۱
- ۴-۳- سازمان همکاری اسلامی (Organisation of Islamic Cooperation)..... ۳۴
- ۴-۳-۱- بانک توسعه اسلامی..... ۳۶
- ۴-۴- سازمان کشورهای در حال توسعه مسلمان (D8)..... ۳۶
- ۴-۵- اتحادیه کشورهای عرب (League of Arab States)..... ۳۷
- ۴-۵-۱- اهداف اساسی اتحادیه عرب..... ۳۸
- ۴-۵-۲- ارکان اتحادیه عرب..... ۳۹
- ۴-۵-۳- صندوق مالی اتحادیه عرب..... ۳۹
- ۴-۶- شورای همکاری خلیج فارس (GCC)..... ۳۹
- ۴-۶-۱- اهداف سازمان..... ۴۰
- ۴-۶-۲- ساختار سازمان..... ۴۰
- ۵- کشورهای محور مقاومت..... ۴۲
- ۵-۱- بسترها و ظرفیت‌های تعمیق همگرایی کشورهای محور مقاومت..... ۴۲
- ۵-۲- کشورهای محور مقاومت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای مختلف..... ۴۲
- ۵-۳- موانع تعمیق همگرایی کشورهای محور مقاومت..... ۴۳
- ۵-۳-۱- موانع اجتماعی - فرهنگی..... ۴۳
- ۵-۳-۲- موانع اقتصادی..... ۴۴
- ۵-۳-۳- موانع سیاسی..... ۴۵
- ۵-۳-۴- موانع بین‌المللی..... ۴۵
- ۵-۳-۵- موانع ساختاری..... ۴۵
- ۵-۳-۶- مصاحبه: ظرفیت همگرایی کشورهای محور مقاومت..... ۴۶
- ۵-۳-۷- مصاحبه: ضرورت تشکیل زنجیره ارزش منطقه‌ای توسط کشورهای محور مقاومت..... ۴۷
- ۶- پیشنهادهایی جهت افزایش همگرایی کشورهای محور مقاومت..... ۴۸

خلاصه مدیریتی

موفقیت سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای، در دوره پس از جنگ جهانی دوم، در کنار ناکارآمدی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی در دستیابی به اهداف خود، دولت‌ها را به سمت جستجوی تعریف جدیدی از تعاملات سازنده و مؤثر مبتنی بر همکاری‌های منطقه‌ای سوق داد و در نهایت باعث تاسیس و شکل‌گیری اتحادیه‌ها و یا توافقات دو یا چندجانبه در مناطق مختلف دنیا شد.

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران نیز با درک شرایط جهانی و منطقه‌ای پیش آمده برای همگرایی و با توجه به تحریم‌های ظالمانه آمریکا، می‌تواند به عنوان یک راهبرد موثر، زمینه تعمیق همگرایی بین کشورهای منطقه و محور مقاومت را به عنوان حوزه تعامل منطقه‌ای مورد تأکید قرار دهد.

در این گزارش کوشش می‌شود پس از تعریف همگرایی و منطقه‌گرایی و معرفی الزامات و مقدمات آن، اتحادیه‌های اقتصادی و سازمان‌های همکاری در سطح بین‌الملل از جمله اتحادیه اروپا، آسه‌آن، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، سارک، مرکوسور، آپک، اتحادیه آفریقا، اِفتا و اتحادیه مدیترانه معرفی شوند.

در ادامه به اتحادیه‌ها و سازمان‌های موجود در منطقه میانه و غرب آسیا شامل سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی، سازمان هشت کشور در حال توسعه مسلمان (دی - هشت)، اتحادیه کشورهای عرب، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، پرداخته می‌شود و در نهایت بسترها، ظرفیت‌ها و موانع موجود در منطقه برای همگرایی بیشتر کشورهای محور مقاومت شناسایی و راهکارهایی برای تعمیق همگرایی بین این کشورها ارائه می‌شود.

از جمله پیشنهادها این گزارش که با استفاده از بررسی تجربه‌های موفق و ناموفق سازمان‌های منطقه‌ای، پژوهش‌های موردی و ظرفیت موجود در منطقه حاصل شده است، می‌توان به تولید محصولات مشترک، استفاده از ظرفیت‌های تجاری کشورها در چاقوب اتحادیه‌های موجود، بستن پیمان‌های دفاعی و امنیتی مشترک، همکاری در زمینه‌های علمی - آموزشی و تحقیقاتی، اجرای پروژه‌های مشترک در بخش‌های صنعت و کشاورزی، استفاده از رسانه‌های صوتی و چاپی و شبکه‌های تلویزیونی مشترک با زبان فارسی و عربی در جهت ایجاد پیوند بین جوامع این کشورها، تأکید بر تعامل هماهنگ با دیگر کشورها و ایجاد یک شبکه ترابری (خط لوله گاز و نفت و برق، ساخت جاده و راه و ریلی) از ایران تا سوریه در جهت اتصال به دریای مدیترانه اشاره نمود. در این زمینه با توجه به قرابت تمدنی و فرهنگی ایران با کشورهای محور مقاومت از جمله عراق، سوریه، لبنان و یمن، این کشورها در اولویت توسعه روابط و تعمیق همگرایی قرار دارند.

بخش ۱ . مقدمه

امروزه تمام کشورهای جهان به این نتیجه رسیده اند که برای تسریع در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خود و تداوم آن چاره‌ای جز همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای ندارند. وجود سازمان‌های منطقه‌ای در سراسر دنیا و تجربه‌ی موفق برخی از آنها و نیاز کشورهای در حال توسعه به تقویت بنیان‌های اقتصادی، در تشویق این کشورها به سمت تأسیس اتحادیه‌ها و پیشرفت روابط اقتصادی و تجاری منطقه‌ای نقش بسزایی ایفا کرده است.

«منطقه‌گرایی» و «همگرایی منطقه‌ای» از جمله نام آشنا ترین مفاهیمی هستند که در نیم قرن اخیر در مباحث روابط بین‌الملل، مورد توجه قرار گرفته‌اند. به نظر می رسد همگرایی اقتصادی از طریق منطقه‌گرایی، از ضرورت‌های نظام اقتصادی برای کشورهای هر منطقه‌ای شده است؛ چرا که تحت شرایطی خاص اگر تولید و مصرف تحت تأثیر قرار گیرند، باعث رشد و پیشرفت کشورهای عضو اتحادیه خواهند شد.

در این راستا، ملت‌ها و دولت‌های مختلف، نیازمند یک استراتژی براساس همکاری منطقه‌ای هستند تا روح همبستگی و اتحاد را در خود تقویت کنند. این احساس نیاز را می توان امروزه در بخش‌های مختلف جهان مشاهده کرد؛ بازار مشترک اروپا در دنیای غرب و اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی «آسه‌آن»^۱ نمونه‌هایی از این نیاز است.

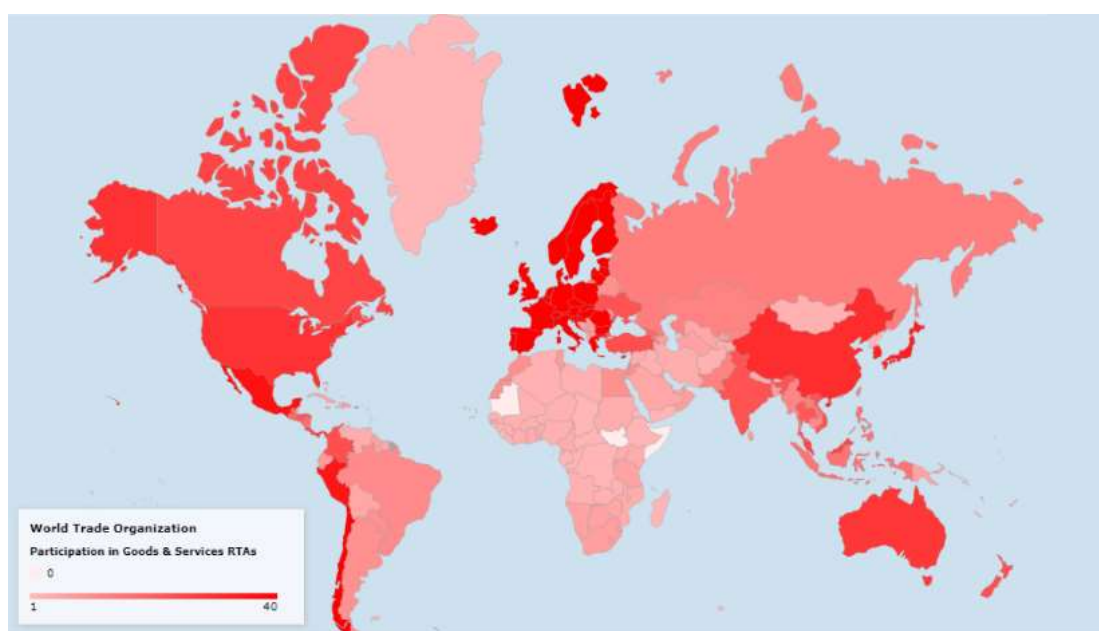
علاوه بر اتحادیه‌های بزرگ، ده‌ها اتحادیه کوچک و تازه شکل گرفته بین کشورهای مختلف با علایق مشترک نیز ایجاد شده است. تنها در سایه همکاری‌های نزدیک است که از یک سو، آرمان‌های مشترک کشورهای یک منطقه میسر شده، و از سوی دیگر، صلح، رفاه و پیشرفت اقتصادی کشورهای کوچک و در حال پیشرفت رقم خواهد خورد. به هر حال، همگرایی منطقه‌ای راهی موثر برای مقابله با بحران‌های دیرپای اقتصادی و غلبه بر مشکلات عمده‌ای مانند بیکاری، تورم، گر سنگی و فقر است. هدف همه همکاری‌ها و تلاش‌های مشترک، رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته بشری، توزیع عادلانه ثروت، پیشرفت و مشارکت مردم در سرنوشت خود است.^۲

یکی دیگر از عوامل مهم روی آوردن کشورها به منطقه‌گرایی و تعاملات درون منطقه‌ای، ناکارآمدی و حمایت ایدئولوژیک سازمان‌های بین‌المللی از سیاست‌های نادرست و نابجای کشورهای غربی است. گات و

^۱ - توضیح و معرفی تفصیلی اتحادیه‌های نامبرده شده، در بخش ۳ و ۴ توضیح داده شده است.

^۲ - بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه، صص ۳-۲

پس از آن سازمان تجارت جهانی از دوران پس از جنگ جهانی دوم تا بحال به نوعی راهبر اصلی عرصه تجارت بین‌الملل بوده‌اند؛ اما در طول سال‌های اخیر تقریباً تمامی کشورهای جهان به ناکارآمدی این سازمان اذعان کرده‌اند. عدم توان سازمان تجارت جهانی در دستیابی به توافق جدید، کشورهای جهان را به سمت راهکارهای جایگزین از جمله انعقاد توافقات تجاری دوجانبه و چندجانبه سوق داده است. طبق آمار سازمان تجارت جهانی در حال حاضر تعداد ۳۰۶ توافق تجاری دو یا چندجانبه بین کشورهای مختلف جهان منعقد شده است.^۲ شکل زیر کشورهای مختلف جهان با تعداد متفاوت انواع توافقات تجاری را نشان می‌دهد.^۳



شکل (۱.۱) نقشه توافقات تجاری موجود بین کشورهای جهان

همگرایی اقتصادی موجب تسریع در رشد کشورهایی می‌شود که از نظر شاخص‌های اقتصادی فاصله بیشتری با کشورهای پیشرفته اقتصادی دارند. این موضوع غالباً از طریق انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری و ایجاد شبکه‌های تولید در کشورهای در حال پیشرفت به وقوع می‌پیوندد و به نوبه خود موجب ارتقای رفاه و سطح درآمد کشورهای در حال پیشرفت و نزدیک شدن و همگرایی سطح درآمدهایشان می‌شود.^۴ غرب آسیا بطور کلی و کشورهای محور مقاومت (ایران، عراق، سوریه، لبنان و یمن) یکی از مهمترین

1- <https://b2n.ir/518283>

2- <http://rtais.wto.org/UI/PublicMaintainRTAHome.aspx>

3- rtais.wto.org/UI/PublicMaintainRTAHome.aspx

۴- بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه، ص ۵

مناطق ژئوپلیتیکی جهان است که از یک سو به دلیل وجود منابع زیرزمینی، به ویژه نفت و گاز، و نیز پاره‌ای اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی در میان کشورهای آن، دارای زمینه‌های مناسب و بسترها و ظرفیت‌های لازم برای همگرایی کشورهای منطقه است، اما از سوی دیگر، ماهیت ارتباطات و ساختارها و کارکردهای میان این کشورها، در کنار عوامل اقتصادی و سیاسی و همچنین نقش و جایگاه قدرت‌های خارجی در منطقه، بستر لازم برای واگرایی آنها را نیز فراهم کرده است. جمهوری اسلامی ایران که دارای تشابهات سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا است و یکی از دولت‌های مهم و تأثیرگذار منطقه محسوب می‌شود، با درک این حقیقت، یکی از اهداف خود را تلاش برای فراهم کردن بسترهای همگرایی میان کشورهای محور مقاومت قرار داده و برای این کار به راهبردهایی چون تقویت مناسبات اقتصادی و فرهنگی در سطح منطقه‌ای، محدود ساختن نقش و نفوذ قدرت‌های بزرگ و دیگر ترتیبات جمعی متوسل شده است.^۱

در این گزارش قرار است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- بررسی انواع تعاملات و مراحل تعمیق همگرایی اقتصادی و تجاری، مقدمات و الزامات آن؛
- معرفی اتحادیه‌های اقتصادی و سازمان‌های همکاری در سطح بین‌الملل با تمرکز بر اتحادیه‌ها و سازمان‌هایی که کشورهای محور مقاومت در آن عضویت دارند؛
- شناسایی ظرفیت‌ها و موانع همکاری کشورهای محور مقاومت در چارچوب اتحادیه‌های موجود و ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود بسترهای موجود و شکل‌گیری بسترهای جدید تعاملاتی مبتنی بر دو محور قبل

^۱ - راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برقراری همگرایی در خاورمیانه و موانع آن، ص ۲

بخش ۲. همگرایی اقتصادی؛ تعاریف و ابعاد

1- منطقه، منطقه‌گرایی، همگرایی و مراحل تعمیق آن

۱-۱- منطقه

در علوم روابط بین‌الملل، «منطقه، به یک ناحیه جغرافیایی نسبتاً وسیع، شامل سرزمین‌های چندین کشور گفته می‌شود که به علت پیوندها و نزدیکی‌های جغرافیایی، به یکدیگر مرتبط شده‌اند». میتوان گفت کشورها در دستیابی به اهداف مهم در نظام بین‌الملل دست کم نیازمند ائتلاف با یک یا مجموعه‌ای از کشورها هستند و بر این اساس هماهنگی و همکاری برای تحقق اهداف بزرگ هرچند که لازم است، اما کافی محسوب نمی‌شود. در همین رابطه، مروری بر اوضاع کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و محور مقاومت، نشان دهنده این واقعیت است که این کشورها با وجود منابع عظیم انرژی و نیروی انسانی تا حدی توانمند، تشابهات فرهنگی و تمدنی، همچنان در بحث ایجاد همگرایی منطقه‌ای با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. هرچند تأثیر عوامل بیرونی نظیر دخالت گسترده نیروهای خارجی و از جمله آمریکا را در کنار اوضاع آشفته داخلی و گسترش تروریسم داعشی در کشورهای محور مقاومت می‌توان از عوامل بسیار موثر بر روابط این کشورها دانست؛ اما نباید از کنار سایر عوامل مهم دیگر که مربوط به خود این کشورها است، گذر کرد.

۲-۱- منطقه‌گرایی

فرضیه منطقه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ در سطح جهان رشد کرد و بیشتر تحت تأثیر کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا قرار داشت، زیرا به افزایش رشد اقتصادی این کشورها و بهبود تولید و تجارت آنها منجر شد. این فرضیه، بر ایده ایجاد واحد اقتصادی بزرگ تری تأکید دارد که مرزهای جغرافیایی را تغییر می‌دهد و همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو ایجاد می‌کند. منطقه‌گرایی در علوم اقتصادی به مفهوم ترجیحات ملتهایی در تجارت با دیگر ملتها و یا کشورهایی است که از نظر جغرافیایی دارای منطقه‌ی مشترک اند، و با کاهش یا حذف موانع تجاری (تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای) سبب آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه می‌شود. اما این واژه در نگاه سازمان تجارت جهانی، مفهومی عام تر دارد؛ به این معنا که چنین موافقت

نامه‌هایی ممکن است میان دو یا چند کشور که لزوماً در یک منطقه ی جغرافیایی نباشند نیز منعقد گردد.^۱

۳-۱- همگرایی

«هاس» به عنوان مبدع تئوری همگرایی، آن را پروسه‌ای می‌داند «که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی اختیارات دولت‌های ملی باشد، سوق دهند.» بنابراین همگرایی به معنای ترکیب و ادغام اجزاء در یک کل است و با یکسان‌سازی سیاست‌های اقتصادی و سیاسی بازیگران در قبال یکدیگر، به نوعی آزادسازی تبعیض‌آمیز تجارت منجر می‌گردد. هدف اساسی همگرایی اقتصادی، آزادسازی تجاری است و در کنار آن به «گسترش تولید جهانی و به تبع تخصص در تولید داخلی، کسب درآمدهای ارزی، کاهش هزینه‌های تولید در سطح منطقه، افزایش تجارت، صرفه‌جویی در منابع کمیاب داخلی، توزیع بهینه درآمد، افزایش کارایی در تولید و تجارت، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و استفاده از مزیت‌های نسبی» یاری می‌رساند.^۲

بنا به تعریفی دیگر از همگرایی اقتصادی در مقاله «موانع همگرایی اقتصادی آسیای مرکزی»، همگرایی فرآیندی می‌باشد که به وسیله آن واحدهای اقتصادی گوناگون تلاش می‌کنند تا با اتحاد میان خود به اهداف و موفقیت‌های مورد نظر برسند. در همگرایی اقتصادی، جریان تجارت، مهاجرت، گردشگری، پیشرفت صنعتی و... مدنظر می‌باشد تا از طریق اتحاد میان کشورهای عضو پیمان منطقه‌ای، روند مناسبات به نفع پیشرفت فعالیت‌های مزبور هدایت شود.

2- مراحل تعمیق همگرایی

بطور کلی ترتیبات همگرایی در ادبیات تجارت بین‌الملل با توجه به درجات همگرایی به دو دسته همگرایی کم‌عمق و عمیق تقسیم می‌شود که همگرایی کم‌عمق شامل موافقتنامه تجارت ترجیحی و موافقتنامه تجارت آزاد و همگرایی عمیق شامل اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه اقتصادی و اتحادیه پولی و همگرایی کامل پولی است. در زیر به تعریف مراحل تعمیق همگرایی پرداخته می‌شود:

^۱ - پیشرفت تجارت دوجانبه ایران با اعضای گروه هشت کشور اسلامی D-8 تهران: موسسه ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

^۲ - مبانی نظری همگرایی منطقه‌ای، (www.basirat.ir) / شناسه خبر : ۲۷۵۵۱۷

۱-۲- مرحله اول: موافقتنامه تجارت ترجیحی (PTA)^۱

موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی توافقاتی بین دو یا چند کشور است که در آنها تعرفه‌های وضع شده بر کالاهای تولید شده در کشورهای عضو، کمتر از تعرفه‌های وضع شده بر کالاهای تولید شده در کشورهای غیرعضو است.

به دنبال افزایش چشمگیر صادرات و واردات در اقتصاد جهانی، توجه به موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی در سطح جهان و از جمله در منطقه آسیا گسترش یافته است. در حال حاضر حدود ۹۷ درصد از کل تجارت جهانی متعلق به کشورهایی است که حداقل عضو یکی از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی هستند، درحالی‌که این نسبت در سال ۱۹۹۰ حدود ۷۲ درصد بوده است. کشورهای ترکیه، پاکستان و ایران از جمله کشورهایی هستند که اخیراً به سمت انعقاد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی دوجانبه در غرب آسیا و به‌ویژه با کشورهای مسلمان و همسایه خود گرایش پیدا کرده‌اند.

۲-۲- مرحله دوم: موافقتنامه تجارت آزاد (FTA)^۲

این موافقتنامه مربوط به زمانی است که دو یا چند کشور تعرفه‌های گمرکی را به‌طور جزئی یا کامل در مقابل یکدیگر لغو کنند. در این سطح از توافقات تجاری، برای ممانعت از بهره‌برداری کشور ثالث از تعرفه‌های صفر، از قاعده گواهی مبدأ برای کالاها استفاده می‌شود.

۳-۲- مرحله سوم: اتحادیه گمرکی (CU)^۳

این اتحادیه شامل نوعی منطقه تجارت آزاد است که اعضای آن تعرفه خارجی مشترک با کشورهای غیرعضو دارند. به عبارت دیگر کشورهای عضو، سیاست تجاری مشترک خارجی تنظیم میکنند (در بعضی موارد آنها از سهمیه واردات مختلف استفاده میکنند). برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، حرکت به سمت اتحادیه‌های گمرکی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و توسعه پیوندهای منطقه‌ای باشد. به‌علاوه کشورها تلاش می‌کنند از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست یابند تا مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل کنند.

¹-Preference Trade Agreement

²-Free Trade Agreement

³-Customs Union

۴-۲- مرحله چهارم: بازار مشترک (CM)^۱

این مرحله شامل یک منطقه تجارت آزاد با تحرک نسبتاً آزاد سرمایه و خدمات است. بازار مشترک نوعی از بلوک تجاری است که در آن بیشتر موانع تجاری و همچنین برخی از سیاست‌های متداول در مورد تنظیم بازار محصول و محدودیت جابه‌جایی عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) و شرکتها و خدمات برداشته شده است. هدف این است که تحرک سرمایه، نیروی کار، کالاها و خدمات بین اعضا به آسانی انجام شود.

۵-۲- مرحله پنجم: اتحادیه اقتصادی (EU)^۲

این نوع بلوک‌های تجاری، متشکل از یک بازار مشترک دارای اتحادیه گمرکی است، به‌گونه‌ای که حرکت کالا، خدمات و عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) بین کشورهای عضو، آزاد بوده و با کشورهای غیر عضو سیاست مشترک خارجی اعمال می‌شود.

۶-۲- مرحله ششم: اتحادیه اقتصادی و پولی (EMU)^۳

نوعی اتحادیه اقتصادی (بازار مشترک و اتحادیه گمرکی) است که با تعیین ارزش مشترک به ایجاد اتحادیه پولی نیز اقدام می‌کنند. اتحادیه اروپا نمونه‌ای از این نوع همگرایی است.

۷-۲- مرحله هفتم: همگرایی کامل اقتصادی (CEI)^۴

نوعی اتحادیه اقتصادی و پولی است که در آن سیاست‌های پولی و مالی واحد اتخاذ شده و از نظر سیاسی نیز واحد هستند. ایالت‌های آمریکا از چنین ساختاری پیروی می‌کنند. یعنی در عین حال که مستقل هستند، عملکرد یک اقتصاد واحد را دارند.^۵

۳- مروری بر اتحادیه‌ها و سازمان‌های همکاری در جهان

در این بخش به بررسی مهمترین موافقتنامه و اتحادیه‌ها و سازمان‌های همکاری در جهان از جمله؛

1 -Common Market

2 -Europe Union

3 -Economic and Monetary Union

4 -Complete Economic Integration

۵- آسیب‌شناسی موافقتنامه‌های دوجانبه ترجیحی، بازرگانی و گمرکی در تجارت خارجی کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، صص ۹-۶

اتحادیه اروپا، آسه‌آن، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان همکاری منطقه‌ای آسیای جنوبی، بازار مشترک کشورهای آمریکای لاتین، سازمان همکاری اقتصادی آسیا پاسیفیک، اتحادیه آفریقا، اتحادیه تجارت آزاد اروپا و اتحادیه مدیترانه پرداخته می‌شود. توضیحات اجمالی هر کدام در ادامه آمده است.

۱-۳- اتحادیه اروپا (EU)^۱

اتحادیه اروپا که آغاز کار خود را پس از درگیری‌های نیمه اول قرن بیستم و در قالب جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا در سال ۱۹۵۱ و جامعه اقتصادی اروپا (سال ۱۹۵۷) آغاز کرد، با فروپاشی دیوار برلین و اتحاد آلمان شرقی و غربی در ۱۹۹۰ و سقوط اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ ساختار سیاسی اروپا تغییر کرد؛ بنابراین دولت‌های عضو جامعه اروپا مصمم شدند که با پیمان‌های جدید، روابط خود را تقویت کنند. در پیمان ماستریخت، بر نام اتحادیه اروپا توافق حاصل شد؛ همچنین در این پیمان بر انجام برنامه‌های بلندپروازانه زیر توافق حاصل شد:

- اتحادیه پولی تا سال ۱۹۹۹
- سیاست‌های مشترک جدید
- تابعیت اروپا
- یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک
- و امنیت داخلی

در حال حاضر اتحادیه اروپا شامل ۲۷ کشور است که عبارت‌اند از:

آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، اتریش، هلند، بلژیک، سوئد، دانمارک، فنلاند، پرتغال، ایرلند، چک، کرواسی، مجارستان، لهستان، بلغارستان، یونان، رومانی، اسلواکی، اسلوانی، استونی، لیتوانی، لتونی، لوکزامبورگ، قبرس و مالت. بریتانیا نیز از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۲۰ عضو اتحادیه اروپا بوده است.



¹ -Europe Union

² -History of the European Union, P 1-4

شکل (۲.۱) پرچم اتحادیه اروپا

پذیرش پول واحد یورو از سال ۱۹۹۹ و گردش رسمی آن از ژانویه ۲۰۰۲، سیاست مشترک کشاورزی، سیاست مشترک مهاجرت و پناهندگی، پیمان شنگن، سیاست دفاعی مشترک و تشکیل ارتش اروپایی، مفهوم شهروندی مشترک و سیاست مالیاتی مشترک، از مهم‌ترین طرح‌های اتحادیه اروپایی برای تبدیل شدن به بازیگری قدرتمند در نظام بین‌المللی هستند.

۱-۳-۱- نهادهای مالی اتحادیه اروپا

بانک مرکزی اروپا یک نهاد رسمی اتحادیه اروپا است که مجموعه‌ای از وظایف را با همکاری نزدیک بانک‌های مرکزی ملی انجام می‌دهد. تصمیم‌گیری اصلی در بانک مرکزی اروپا به عهده شورای حاکم است که متشکل از ۶ عضو هیئت اجرایی و روسای بانک‌های مرکزی ۱۹ کشور عضو حوزه یورو است. سهامداران بانک مرکزی اتحادیه اروپا کشورهای عضو آن هستند. هر کشور سالانه با توجه به حجم اقتصاد و میزان جمعیت خود نسبت به اتحادیه اروپا، مبلغی را به عنوان بودجه سالانه این بانک پرداخت می‌کند. به عبارت بهتر همه کشورها به یک میزان پرداختی ندارند، اما این به معنای داشتن حق رأی بیشتر دولتهایی که مبالغ بیشتری پرداخت می‌کنند، نیست. همه دولت‌های عضو بانک مرکزی اروپا حق رأی یکسانی دارند. حتی کشورهایی که در بانک مرکزی عضویت هم ندارند باید سالانه مبلغ ناچیزی (۳,۵۷ درصد بودجه سالانه بانک) را پرداخت کنند، زیرا آنها بخشی از سیستم بانک مرکزی اروپا محسوب می‌شوند.^۱

۲-۱-۳- بانک سرمایه‌گذاری اروپا

بانک سرمایه‌گذاری اروپا بازوی وام‌دهنده اتحادیه اروپا است. این بانک بزرگترین موسسه مالی چندجانبه در جهان و یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان امور مالی حوزه یورو است و از زمان تأسیس خود تا کنون بیش از هزار میلیارد یورو در بخش‌های آب و هوا، محیط زیست، پیشرفت، نوآوری و مهارت، مشاغل کوچک و متوسط و غیره سرمایه‌گذاری کرده است. اصلی‌ترین مأموریت بانک سرمایه‌گذاری اروپا حمایت از رشد و پیشرفت پایدار در داخل و خارج از اتحادیه اروپا است.^۲

^۱ - وبسایت رسمی بانک مرکزی اروپا (ecb.europa.eu) / <https://b2n.ir/029076>

^۲ - وبسایت رسمی بانک سرمایه‌گذاری اروپا (eib.org) / <https://b2n.ir/863901>

۲-۳- آسه‌آن (ASEAN)

اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا با نام اختصاری «آسه‌آن» در ژوئیه ۱۹۶۱ در حوزه جنوب شرقی آسیا و با مشارکت مالزی، تایلند و فیلیپین به منظور توسعه همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی میان اعضا بوجود آمد. با صدور اعلامیه بانکوک در ۸ اگوست ۱۹۶۷ از سوی پنج کشور اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند و سنگاپور، اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا در منطقه تشکیل شد. در ادامه نیز کشورهای بروئنی دارالسلام (۱۹۸۴)، ویتنام (۱۹۹۵)، لائوس و میانمار (۱۹۹۷)، و کامبوج (۱۹۹۹) به آسه‌آن پیوستند. عمده پروژه‌های انجام شده در آسه‌آن در زمینه‌های اقتصادی، پیشرفت تجاری بین کشورهای عضو این انجمن در اقتصاد جهانی و انجام پژوهش‌های مشترک بین کشورهای عضو انجمن است.



شکل (۲.۲) پرچم آسه‌آن و کشورهای عضو

در ۱۵ دسامبر سال ۲۰۰۸، اعضای سازمان آسه‌آن، مفاد منشوری که در نوامبر ۲۰۰۷ با آن موافقت شده بود را اجرایی کردند. طبق مفاد این منشور، آسه‌آن موجودیت قانونی به خود گرفته و منطقه تجارت آزاد برای ۵۰۰ میلیون نفر ایجاد شد.

آسه‌آن در ۲۸ ژانویه ۱۹۹۲ یک منطقه آزاد تجاری ایجاد کرد که موجب تسهیل در صادرات و واردات کالا بین کشورهای عضو با کمترین تعرفه گمرکی می‌شود. ویتنام، لائوس، میانمار و کامبوج هر یک طی دوره‌ای بر گسترش سیاست تعرفه آزاد گمرکی تأکید کردند. سپس، آسه‌آن یک بازار و پایگاه تولیدی ایجاد کرد که اعضا را وارد عرصه رقابت در بازار جهانی کرده و موجب پیشرفتی برابر در منطقه و یکپارچه‌سازی

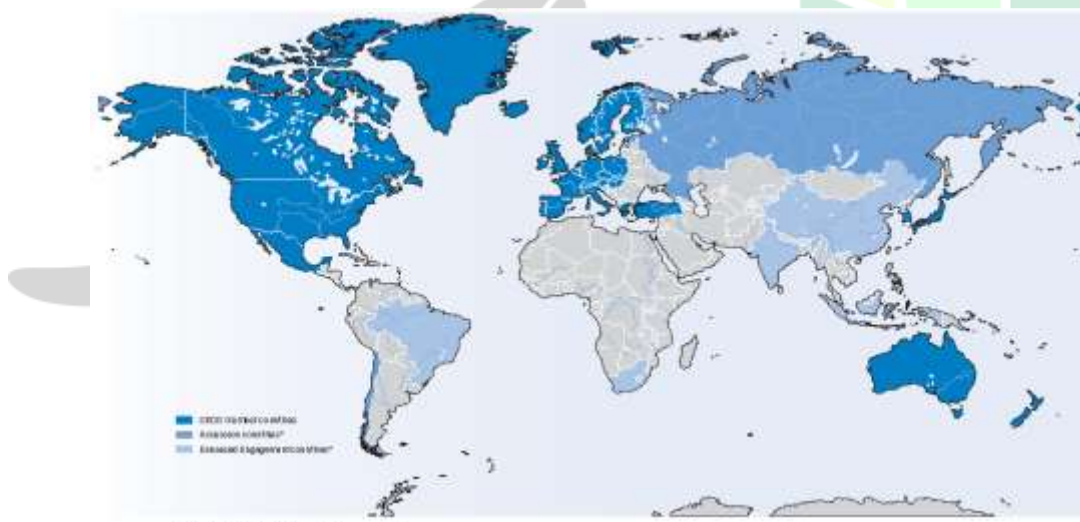
¹ -Association of Southeast Asian Nation

^۲ سازمان‌های پولی، مالی و اقتصادی بین‌المللی، صص ۱۳۹-۱۳۱

کشورهای عضو سازمان با اقتصاد جهانی شد. تا سال ۲۰۱۰، کشورهای تایلند، سنگاپور، فیلیپین، مالزی، اندونزی و میانمار تعرفه‌ی گمرکی خود را تا ۹۹٫۶۵ درصد کاهش داده و باقی کشورها مالیات گمرکی خود را به میزان ۹۸٫۸۶ درصد پایین آوردند. طبق برآوردها آسه‌آن، تا سال ۲۰۳۰، چهارمین اقتصاد بزرگ جهان خواهد بود.^۱

۳-۳- سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)^۲

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) در سال ۱۹۶۱ با پیشرفت اهداف سازمان همکاری‌های اقتصادی اروپا (OEEC)^۳ پا به عرصه وجود گذاشت. در حال حاضر (OECD) دارای ۳۰ عضو است. اعضای مؤسس آن ۱۹ کشور بودند که این سازمان را در سال ۱۹۶۱ تأسیس کردند و بعدها ۱۱ کشور دیگر نیز به آن پیوستند. در حال حاضر کشورهای کانادا، مکزیک، آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، اتریش، بلژیک، چک، دانمارک، فنلاند، یونان، مجارستان، ایرلند، ایتالیا، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسلواکی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، استرالیا، نیوزیلند، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه عضو این سازمان هستند.



شکل (۲.۳) نقشه پراکندگی جغرافیایی سازمان همکاری اقتصادی و پیشرفت

۳-۳-۱- اهداف OECD

^۱ - خبرگزاری ایرنا، شناسه خبر: ۸۳۵۳۹۸۶۴ / (https://b2n.ir/611498)

^۲ - Organization for Economic Cooperation and Development

^۳ - Organization for European Economic Cooperation

- در ابتدای شکل‌گیری، هدف‌های سازمان که با اصطلاحات بسیار کلی بیان شده عبارت بودند از:
- هماهنگی سیاست‌های اقتصادی به منظور تحقق بخشیدن به پیشرفت اقتصادی
- اشتغال کامل و ارتقاء سطح زندگی در کشورهای عضو به همراه ثبات اقتصاد داخلی و خارجی
- کمک به پیشرفت اقتصاد کشورهای عضو جهت دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و اشتغال و بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی
- حفظ ثبات مالی و برقراری آزادی تجارت در مورد کالاها و خدمات و سرمایه بین اتباع خود
- کمک به کشورهای در حال رشد
- انجام اقدامات اختصاصی درباره آموزش، علوم و تکنولوژی، نیروی کار، کشاورزی و غیره.

۲-۳-۳- ساختار OECD

- ساختار OECD بر پایه سه بخش عمده زیر است:
- کشورهای عضو که هر کدام دارای یک نماینده و سفیر در OECD هستند و این نمایندگان شورای OECD را تشکیل می‌دهند. قدرت تصمیم‌گیری در این سازمان به شورا واگذار شده است و اعضای آن بطور مرتب در سطح سفیران کشورهای عضو با یکدیگر ملاقات می‌کنند و تصمیمات نهایی براساس موافقت‌های کشورهای عضو شورا اتخاذ می‌شود.
- دبیرخانه OECD که دارای یک دبیرکل است و شامل اداراتی نیز است.
- کمیته‌های OECD، برای هر یک از حوزه‌های کاری کمیته‌ای وجود دارد و اعضای کمیته‌ها از متخصصان امور مربوطه می‌باشند که از کشورهای عضو و غیرعضو می‌باشند و نشست‌هایی جهت ارائه درخواست‌ها، دیدگاه‌ها و همکاری با دبیرخانه در طول سال برگزار می‌کنند.^۱

۴-۳- سازمان همکاری منطقه‌ای آسیای جنوبی (SAARC)^۲

- برای نخستین بار در ۱۹۷۰ رئیس‌جمهور بنگلادش ضیاء رحمان به ارایه پیشنهادی در خصوص ایجاد یک اتحادیه‌ی تجاری از کشورهای جنوب آسیا پرداخت. این پیشنهاد در اجلاسی که در ۱۹۸۱ در کلمبو پایتخت سریلانکا برپا شد مورد پذیرش شرکت‌کنندگان هند و پاکستان و سریلانکا قرار گرفت. بدنبال آن در اجلاس سران سال ۱۹۸۳ در دهلی نو، کشورهای مذکور به همراه نپال، مالدیو و بوتان بیانیه‌ی همکاری منطقه‌ای آسیای جنوبی، را تصویب نمودند.

^۱ - سازمان همکاری اقتصادی و پیشرفت، صص ۱۱-۲

^۲ - South Asian Association For Regional Cooperation

این سازمان به طور رسمی در ۱۹۸۵ به عنوان انجمنی از کشورهای مایل به ارتقای «وضعیت رفاهی مردمان آسیای جنوبی و بهبود استاندارد زندگی آنها، افزایش رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و فرهنگی، تقویت روابط میان کشورهای این منطقه و سرانجام ارتقای همکاری و کمک اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی» تأسیس شد. سازمان سارک دارای یک موافقتنامه تجارت آزاد است.



شکل (۲.۴) پرچم سارک

۱-۴-۳- اهداف سارک

به موجب ماده ی یک اساسنامه سارک، سازمان دارای اهدافی از قبیل ارتقای وضعیت رفاهی مردمان آسیای جنوبی و بهبود کیفیت زندگی آنها، افزایش رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و فرهنگی در منطقه، ایجاد فرصت زندگی محترمانه برای همه و امکان برخورداری کامل از آنها، تقویت روابط جمعی میان کشورهای جنوب آسیا، کمک به ایجاد اطمینان متقابل، تفاهم و درک مشکلات، ارتقای همکاری فعال و کمک متقابل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تکنیکی و حوزه‌های علمی، تقویت همکاری با کشورهای توسعه یافته، تقویت همکاری میان اعضای در موضوع‌های مرتبط با منافع مشترک در اجلاس‌های بین‌المللی و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است.

۲-۴-۳- اعضای سارک

اعضای سازمان عبارتند از:

الف- اعضای دائم: منظور از اعضای دائم کشورهای هستند که به صورت کامل به عضویت سازمان درآمده اند و می توانند در کلیه جلسات حضور یافته، در تصمیم گیری‌ها شرکت نمایند. این کشورها خود به دو گروه تقسیم می شوند: اعضای مؤسس و اعضای غیر مؤسس. اعضای مؤسس هفت کشور **بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا** هستند که در ۸ دسامبر ۱۹۸۵ با تصویب اساسنامه سازمان، آن را ایجاد

نمودند. تنها یک کشور بعدها به عنوان عضو اصلی و غیر موسس به سازمان پیوست، و آن کشور افغانستان بود که در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۵ خواهان الحاق به سازمان شد که درخواست آن به عنوان یک عضو کامل در نوامبر ۲۰۰۷ پذیرفته شد و در حال حاضر سازمان دارای ۸ عضو اصلی است.

ب- اعضای ناظر: ایران، استرالیا، چین، کره جنوبی، ژاپن، موریس، میانمار، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا اعضای ناظر سازمان هستند.^۱

۳-۴-۳- تشکیلات سازمان

به موجب ماده ۳ اساسنامه، سازمان دارای یک اجلاس سالیانه از روسای کشورهای عضو می باشد که در صورت ضرورت ممکن است تعداد آن بیشتر هم شود. سازمان همچنین دارای تشکیلاتی از قبیل شورای وزرا، کمیته دائمی، کمیته‌های تخصصی، کمیته‌های اقدام، دبیرخانه و شورای حکمیت است.

سازمان همچنین دارای یک سازمان بنام سازمان پیشرفت سارک که وظیفه آن پوشش دادن تمامی برنامه‌های سازمان سارک شامل برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی و یک صندوق بنام صندوق پیشرفت آسیای جنوبی جهت حمایت از پیشرفت صنعتی، کاهش فقر، حفاظت از محیط، پیشرفت منابع انسانی و اجتماعی و پیشرفت پروژه‌های بنیادی در حوزه سارک است.^۲

۵-۳- بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (MERCOSUR)

ریشه تشکیل اتحادیه تجاری مرکوسور به امضای معاهده آسونسیون در پایتخت پاراگوئه در سال ۱۹۹۱ بین کشورهای برزیل، آرژانتین، پاراگوئه و اروگوئه برمیگردد، که بعدها کشورهای ونزوئلا در سال (۲۰۰۶) و بولیوی هم در سال (۲۰۱۵) به آن پیوستند. در حال حاضر اعضای اصلی مرکوسور ۶ کشور برزیل، آرژانتین، پاراگوئه و اروگوئه بعنوان موسسین آن و کشور ونزوئلا هم عضو اصلی و غیر موسس آن هستند. کشورهای بولیوی، شیلی، کلمبیا، اکوادور، پرو، سورینام و گویان هم اعضای وابسته مرکوسور هستند. لازم به ذکر است که کشورهای وابسته آن دسته از کشورهای هاستند که مرکوسور بصورت متقابل با آنها موافقتنامه تجارت آزاد امضا کرده است. مرکوسور دارای یک موافقتنامه تجارت محدود در بین اعضای خود است.

^۱ -وبسایت رسمی دبیرخانه سارک (www.saarc-sec.org)

^۲ - سازمان همکاری منطقه‌ای آسیای جنوبی (سارک) و نقش آن در پیشرفت همکاری‌های منطقه‌ای، صص ۹-۳



شکل (۲.۵) پرچم و منطقه جغرافیایی مرکوسور

۱-۵-۳- اهداف مرکوسور

هدف از تأسیس مرکوسور ایجاد یک بازار مشترک برای کاهش تعرفه‌ها، رونق تجارت، جابجایی آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار، ایجاد تعرفه خارجی مشترک و اتخاذ سیاست مشترک تجاری در رابطه با کشورهای ثالث و هرگونه اقدامی که به تقویت روند ادغام منطقه‌ای در منطقه آمریکای جنوبی کمک کند، بوده است.

۲-۵-۳- ساختار مرکوسور

مرکوسور در جهت پیگیری اهداف کلان خود که رسیدن به همگرایی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کامل در قاره آمریکای جنوبی است نهادها و کمیسیون‌های گوناگونی را به وجود آورده است. این نهادها شامل گزینه‌های زیر است:

- **شورای بازار مشترک:** شورای بازار مشترک بالاترین ارگان مرکوسور است که مسئولیت رهبری سیاسی فرایند ادغام و تصمیم‌گیری برای اطمینان از انطباق با اهداف تعیین شده توسط پیمان آسونسیون و دستیابی به قانون اساسی نهایی در بازار مشترک را دارد. این شورا متشکل از وزرای خارجه کشورهای عضو است و برای انجام وظایف خود دارای ارگانها یا مجامعی وابسته همچون کمیسیون نمایندگان دائمی مرکوسور، جلسات وزرا و غیره است.

- **گروه بازار مشترک:** گروه بازار مشترک نهاد اجرایی مرکوسور است. این گروه متشکل از پنج عضو عادی و پنج عضو علی‌البدل در هر کشور است که توسط دولت‌های متبوع منصوب می‌شوند و در بین آنها باید

نمایندگان وزارت خارجه، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی حضور داشته باشند.

- کمیسیون تجارت مرکوسور: این کمیسیون، نهاد مسئول کمک به گروه بازار مشترک مسئول حصول اطمینان از استفاده از ابزارهای سیاست تجاری مشترک مورد توافق کشورهای عضو برای عملکرد اتحادیه گمرکی، و همچنین نظارت و بازبینی موضوعات است. و همچنین امور مربوط به سیاست‌های مشترک تجاری، تجارت درون مرکوسور و تجارت با کشورهای ثالث را تنظیم می‌کند. این کمیسیون از چهار عضو عادی و چهار عضو علی‌البدل در هر کشور عضو تشکیل شده و توسط وزارتخانه‌های امور خارجه هماهنگ می‌شود.

- پارلمان مرکوسور: این نهاد که مسئول هماهنگی امور داخلی و قانونگذاری کشورهای در رابطه با اهداف مرکوسور است و متشکل از نمایندگان پارلمان کشورهای است. ترکیب فعلی پارلمان مرکوسور و تعداد نمایندگان کشورهای عضو در آن بدین گونه است: آرژانتین ۴۳، برزیل ۵۷، پاراگوئه ۱۸، اروگوئه ۱۸ و ونزوئلا ۳۳.

- مجمع مشورتی اقتصادی-اجتماعی: این نهاد نقش مشورتی دارد و از طریق توصیه‌های خود به مرکوسور یاری می‌رساند.

- دبیرخانه: دبیرخانه به عنوان بازوی اداری دبیرکل، عمل می‌کند. این نهاد همچنین وظیفه بایگانی اسناد رسمی و انتشار استانداردهای تایید شده توسط دستگاه‌های تصمیم‌گیر سازمان را بر عهده دارد.^۱

۶-۳- سازمان همکاری اقتصادی آسیا-پاسفیک (APEC)^۲

سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک، «آپک» (APEC) با رویکردی اقتصادی تشکیل شد. تاریخچه تأسیس این سازمان به اواخر دهه ۸۰ میلادی برمی‌گردد. اولین بار پیشنهاد تأسیس آپک توسط (باب هوک) نخست وزیر استرالیا در ۳۱ ژانویه ۱۹۸۹ در یک سخنرانی در سئول پایتخت کره جنوبی مطرح شد. ۱۰ ماه بعد، ۱۲ کشور اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام در (کانبرا) استرالیا برای ایجاد این سازمان گرد هم آمدند که نتیجه این نشست تأسیس سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک بود. اسامی این ۱۲ کشور که اعضای اصلی و موسس آپک بودند، عبارتند از: استرالیا، برونئی، کانادا، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، مالزی، نیوزلند، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و آمریکا. کشورهای چین و هنگ‌کنگ در سال ۱۹۹۱، مکزیک و پاپوا گینه نو در سال ۱۹۹۳ به آپک پیوستند. همچنین شیلی در ۱۹۹۴ و کشورهای پرو، روسیه و ویتنام هم

^۱ - وبسایت رسمی مرکوسور

^۲-Asia-Pacific Economic Cooperation

در سال ۱۹۹۸ به این سازمان پیوستند. در حال حاضر ۲۱ کشور عضو سازمان اپک هستند. دبیرخانه مرکزی سازمان اپک در سنگاپور مستقر می باشد. سازمان دارای یک موافقتنامه تجارت ترجیحی در بین اعضای خود است.



شکل (۲.۶) منطقه جغرافیایی اعضای اپک

۱-۶-۳- اهداف سازمان اپک

سازمان همکاری اقتصادی آسیا - پاسفیک در راستای بهبود مناسبات اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو تشکیل شده است. محور اصلی مباحث اجلاس سران اپک، اقتصاد منطقه‌ای، همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری است. اپک به دنبال ایجاد مکانیزم اقتصادی پویا و تسهیل یک محیط تجاری مطلوب و پایدار است. چشم‌انداز آتی، اپک دستیابی به بازار مشترک آسیا - اقیانوس آرام است و قصد دارد تا تمامی موانع تجارت کالا، خدمات و سرمایه‌گذاری در منطقه را به تدریج از میان بردارد.

۲-۶-۳- کمیته‌ها و کارگروه‌های اپک

- گروه کارشناسان همکاری فنون کشاورزی: تأسیس این گروه کاری، در نشست رسمی اپک در اکتبر ۱۹۹۶ مورد توافق اعضا قرار گرفت. هدف از ایجاد آن، پیشرفت همکاری در زمینه‌های حفاظت و بهره‌گیری مناسب از منابع ژنتیک نباتات و جانوران، مطالعه و بررسی کاربرد بیوتکنولوژیکی کشاورزی، بازاریابی، فرآوری، توزیع محصولات کشاورزی و آموزش و انتقال فن‌آوری کشاورزی است.

- کمیته بودجه: این کمیته به منظور ارائه مشاوره به مقام‌های ارشد اپک در زمینه امور بودجه، مسائل

اداری و مدیریتی در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد که بودجه عملیاتی اپک برای کمیته‌ها و گروه‌های کاری را بررسی و ارزیابی می‌کند و به بررسی و ارزیابی اقتصادی طرح‌های گروه‌ها می‌پردازد.

- گروه سیاست‌گذاری برای شرکت‌های کوچک و متوسط: این گروه کاری در نشست فیلیپین در سپتامبر ۱۹۹۶ برای بازبینی فعالیت‌های شرکت‌های کوچک و متوسط کشورهای عضو اپک، به توافق اعضا رسید و مقرر شد که مرکز اپک برای مبادله فنی و آموزش برای شرکت‌های کوچک و متوسط تأسیس شود.

- کمیته همکاری‌های اقتصادی و فنی: این کمیته بالاترین جایگاه را در تعدیل و هماهنگ‌سازی و مدیریت همکاری‌های فنی و اقتصادی اپک دارد.

- بخش‌های شیلات، انرژی، پیشرفت منابع انسانی، فناوری و علوم صنعتی، حفظ و نگهداری از منابع طبیعی دریایی، ارتباطات و اطلاعات از راه دور، پیشرفت تجارت، حمل و نقل و همکاری فنی-کشاورزی سایر گروه‌های کاری اپک را تشکیل می‌دهند.^۱

۷-۳- اتحادیه آفریقا (AU)

اتحادیه آفریقا متشکل از ۵۵ کشور آفریقایی است که رسماً در سال ۲۰۰۲ بعنوان بزرگترین سازمان منطقه‌ای قاره آفریقا تأسیس و جایگزین سازمان وحدت آفریقا (OAU) شد. مقر اتحادیه آفریقا همچون خُلف آن، در پایتخت اتیوپی، آدیس آبابا قرار دارد. این اتحادیه با چشم انداز «آفریقای یکپارچه، سعادت‌مند و صلح آمیز، که توسط شهروندان خود هدایت می‌شود و نماینده یک نیروی پویا در عرصه جهانی است» راه اندازی شد. این اتحادیه در سال ۱۹۹۲ با تشکیل منطقه آزاد تجاری بین اعضای خود موافقت کرد.

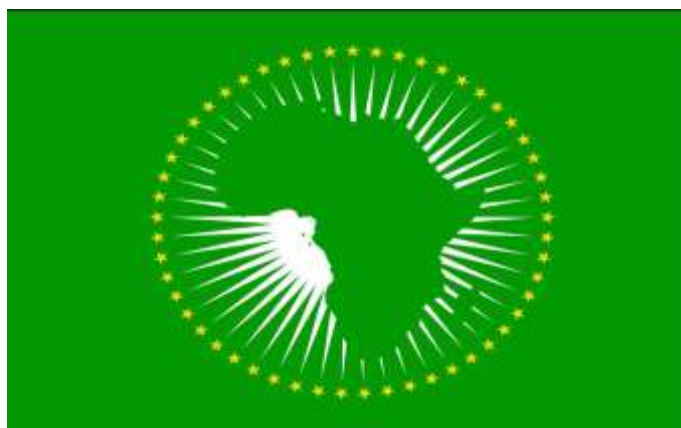
۵۵ کشور عضو اتحادیه آفریقا اریتره، اتیوپی، آفریقای جنوبی، الجزایر، آنگولا، اوگاندا، بنین، بوتسوانا، بورکینافاسو، بروندي، تانزانيا، تونس، توگو، جمهوری دموکراتیک عربی صحرا، آفریقای مرکزی، جمهوری کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری موريس، جیبوتی، چاد، دماغه سبز، رواندا، زامبیا، زیمبابوه، ساحل عاج، سنگال، سیرالئون، سیشل، سومالی، سودان، سودان جنوبی، سوازیلند، سائوتومه و پرنسپ، غنا، کامرون، کنیا، کومور، گینه استوایی، گابن، گامبیا، گینه بیسائو، گینه، لسوتو، لیبیا، لیبی، ماداگاسکار، مالاوی، مصر، مراکش (مغرب)، موریتانی، موزامبیک، نامیبیا، نیجریه، نیجر هستند.

¹ -<https://b2n.ir/084556>

² -Organization Of African Unity

۱-۷-۳- اهداف اتحادیه آفریقا

قانون اساسی اتحادیه آفریقا و پروتکل اصلاحیه قانون اساسی آن اهداف اتحادیه آفریقا را مشخص می‌کند، که عبارتند از وحدت و اتحاد بین کشورهای آفریقایی و مردم آنها، دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال کشورهای عضو آن، تسریع در ادغام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قاره، حمایت و دفاع از مواضع مشترک آفریقا در مورد موضوعات مورد علاقه قاره و مردم آن، تشویق همکاری بین‌المللی، ارتقا صلح، امنیت و ثبات، ارتقا اصول و نهادهای دموکراتیک، مشارکت مردمی و حکمرانی خوب، ایجاد شرایط لازم برای قادر ساختن قاره آفریقا به ایفای نقش درست خود در اقتصاد جهانی و مذاکرات بین‌المللی، دستیابی به پیشرفت پایدار در سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین ادغام اقتصادهای آفریقا و غیره.^۱



شکل (۲.۷) پرچم اتحادیه آفریقا

۱-۷-۳- ساختار اتحادیه آفریقا

ساختار اتحادیه آفریقا دارای ارکان مجمع، شورای اجرایی، کمیته نمایندگان دائمی، کمیسیون، دیوان حقوق بشر و ملت، شورای صلح و امنیت، پارلمان پان آفریقایی، شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موسسات مالی (بانک مرکزی آفریقا، صندوق پولی آفریقا، بانک سرمایه‌گذاری آفریقا) و کمیته‌های فنی و تخصصی.

^۱ - وبسایت رسمی اتحادیه آفریقا (www.au.int)

۸-۳- اتحادیه تجارت آزاد اروپا (EFTA)^۱

اتحادیه تجارت آزاد اروپا (افتا) سازمانی بین دولتی بین کشورهای لیختن اشتاین، ایسلند، نروژ و سوئیس است. این اتحادیه در سال ۱۹۶۰ با هدف ارتقاء تجارت آزاد و همگرایی اقتصادی تأسیس شد و از دهه ۱۹۹۰ میلادی به طور فعال روابط تجاری خود را با کشورهای ثالث در داخل و خارج از اروپا دنبال می‌کند. بودجه سالانه افتا با دو ارز فرانک سوئیس و یورو تأمین می‌شود.



شکل (۲.۸) پرچم کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا

۱-۸-۳- ساختار افتا

شورای افتا: شورای افتا عالی ترین نهاد حاکم بر افتا است. این شورا معمولاً سالی هشت بار در سطح سفیر و دو بار در سال در سطح وزیران تشکیل جلسه می‌دهد. در جلسات شورا، هیئت‌ها با یکدیگر مشورت می‌کنند، در مورد سیاست‌های مربوط به EFTA مذاکره می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. هر کشور عضو نماینده ای در این شورا دارد و تصمیمات با همفکری اتخاذ می‌شود.

این شورا موارد اساسی، به ویژه در مورد پیشرفت روابط EFTA با کشورهای ثالث و مدیریت توافقی‌نامه‌های تجارت آزاد را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و روابط عمومی با سیاست و دولت کشورهای سوم اتحادیه اروپا را تحت بررسی کلی قرار می‌دهد. علاوه بر این، شورا مأموریت دارد که سیاست‌های احتمالی را برای پیشبرد اهداف کلی اتحادیه و تسهیل پیشرفت ارتباط با سایر کشورها، اتحادیه و سازمان‌های بین‌المللی در نظر بگیرد.

^۱-EUROPE FREE TRADE AGREEMENT

افتا همچنین دارای یک دبیرخانه، چند کمیته و یک موافقتنامه تجارت آزاد با لبنان و سوریه (در حالت تعلیق) است.^۱

۹-۳- اتحادیه مدیترانه (UFM)^۲

اتحادیه مدیترانه در سال ۲۰۰۸ با حضور نمایندگان دولت‌های عضو در پاریس تأسیس شد و متشکل از کشورهای جنوب اروپا، منطقه بالکان، و شمال آفریقا است. هدف تأسیس اتحادیه مزبور تقویت روابط بین اروپا و کشورهای جنوب دریای مدیترانه برای دستیابی به صلح و امنیت در منطقه است. مأموریت اتحادیه مدیترانه تقویت همکاری منطقه‌ای، گفتگو و اجرای پروژه‌ها و ابتکاراتی با تأثیر ملموس بر شهروندان کشورهای عضو، با تأکید بر جوانان و زنان، به منظور پرداختن به سه هدف استراتژیک منطقه، یعنی ثبات، پیشرفت انسانی و همگرایی تعریف شده است.

اعضای این اتحادیه معتقدند چالش‌های منطقه‌ای نیازمند راه‌حل‌های منطقه‌ای است. کشورهای بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، دانمارک، ایرلند، یونان، اسپانیا، پرتغال، اتریش، سوئد، فنلاند، استونی، لتونی، لیتوانی، جمهوری چک، اسلواکی، اسلوانی، مجارستان، قبرس، مالت، رومانی، لهستان، بلغارستان، کرواسی، آلبانی، الجزایر، بوسنی و هرزگوین، مصر، رژیم صهیونیستی، اردن، لبنان، موریتانی، موناکو، مونته‌نگرو، مراکش، فلسطین، سوریه (به حالت تعلیق)، تونس و ترکیه عضو این اتحادیه هستند.



^۱-وبسایت رسمی اتحادیه تجارت آزاد اروپا (WWW.EFTA.INT)

^۲- UNION FOR THE MEDITERRANEAN

شکل (۲.۹) منطقه جغرافیایی کشورهای عضو اتحادیه مدیترانه

۱-۹-۳- ساختار اتحادیه

ریاست مشترک: با توجه به تقسیم شدن کشورهای عضو اتحادیه به دو بخش شمال و جنوب دریای مدیترانه، برای اطمینان از مالکیت مشترک تصمیمات و مسئولیت مشترک اعضا، ریاست آن به صورت مشترک است. در سمت شمال اتحادیه اروپا و در سمت جنوب کشور اردن ریاست مشترک اتحادیه را بر عهده دارند. ریاست مشترک در همه سطوح اعمال می‌شود: اجلاس‌ها، جلسات وزرا و جلسات مقامات.

جلسات مقامات ارشد: اعضای اتحادیه مدیترانه به طور منظم در سطح مقامات ارشد وزارتخانه‌های امور خارجه ۴۲ کشور عضو، نهادهای اتحادیه اروپا و اتحادیه کشورهای عربی دیدار می‌کنند. جلسات مقامات ارشد چارچوبی را برای بحث در مورد زمینه سیاسی فعلی و هماهنگی کار دبیرخانه فراهم می‌کند. آنها بودجه و برنامه کاری دبیرخانه را تصویب می‌کنند و اساس آماده سازی جلسات وزرا را تعیین می‌کنند. آنها همچنین درباره پیشنهادات پروژه ارائه شده برای تصویب و تأیید بحث می‌کنند. مقامات ارشد با اتفاق نظر تصمیم‌گیری می‌کنند.

دبیرخانه: دبیرخانه اتحادیه که در بارسلونای اسپانیا مستقر است، بستر عملیاتی کردن تصمیمات اتخاذ شده توسط کشورهای عضو را بر عهده دارد. دبیرخانه دارای یک دبیرکل و ۶ معاون دبیرکل است که هر کدام مسئولیت بخشی از دبیرخانه را بر عهده دارند.^۱

^۱ - وبسایت رسمی دبیرخانه اتحادیه مدیترانه (WWW.UFMSECRETARIAT.ORG)

4- سازمان‌های منطقه‌ای در میانه و غرب آسیا

در این بخش به بررسی مهمترین اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا از جمله سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، اتحادیه اقتصادی اورا سیا، سازمان همکاری اسلامی، سازمان کشورهای در حال توسعه مسلمان (دی - هشت)، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس (GCC) پرداخته می‌شود. توضیحات تکمیلی هر کدام در ادامه آورده شده است.

۱-۴- سازمان همکاری اقتصادی (ECO)^۱

سازمان همکاری اقتصادی (اکو) شکل جدیدی از «سازمان عمران منطقه‌ای» (آر سی دی) است که در سال ۱۹۶۴ میلادی (سال ۱۳۴۳ شمسی) با همکاری ایران، ترکیه و پاکستان شکل گرفت. گرچه هدف ظاهری از تشکیل (آر سی دی) پیشبرد همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی در میان سه کشور یاد شده بود، ولی هدف اصلی آن همکاری‌های سیاسی و گاه امنیتی در شکل همکاری‌های اقتصادی بود، زیرا هر سه کشور در جبهه غرب قرار داشته و نسبت به گسترش نفوذ اتحاد شوروی و کمونیسم به طور کلی نگران بودند. بنابراین پیوند اصلی سه کشور، موضع غیر اعلام شده ضد شوروی بود.^۲ سازمان با پیروزی انقلاب اسلامی دچار وقفه ای کوتاه شد، اما در سال ۱۹۸۵ میلادی (سال ۱۳۶۳ شمسی) دوباره فعالیت خود را این بار با نام «سازمان همکاری اقتصادی» از سر گرفت.

^۱ - Economic Cooperation Organization

^۲ - همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه‌آن، ص ۳



شکل (۲۰۱۰) موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو اکو

موقعیت ویژه جغرافیایی و همبستگی تاریخی کشورهای اکو از دیرباز مورد توجه سران کشورهای عضو و نیز گردانندگان سیاست‌های بین‌المللی بوده است. این منطقه در چهار راه اتصال بازارهای شرق و غرب و شمال و جنوب کره زمین قرار گرفته است. از سوی شرق، بازار ۱/۵ میلیاردی چین، کره و ژاپن و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا مستقیماً در دسترس این سازمان قرار دارند.

شبه قاره هند و تمامی قاره آفریقا مستقیماً در جنوب این منطقه قرار دارند و آبراه خلیج فارس و اقیانوس هند، امکان حمل کالا را از راه دریا و با صرفه بسیار اقتصادی در منطقه اکو فراهم می‌کند. جنوب غرب آسیا عربی، اروپای غربی و شرقی و حوزه مدیترانه از طریق مرزهای غربی این سازمان اقتصادی قابل دسترسی است. روسیه کنونی نیز هم از طریق دریای خزر و هم از طریق راه‌های مبادلاتی واقع در طرفین دریای خزر یک موقعیت کم نظیر را در اختیار این منطقه قرار می‌دهد.

این سازمان اقتصادی اکنون ۱۰ عضو دارد که شامل کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان، آذربایجان است. باید گفت که کشورهای عضو اکو در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان قرار دارند و این استعداد را دارند که یکی از قطب‌های اقتصادی جهان تبدیل شوند. این منطقه یکی از غنی‌ترین مناطق جهان، با ظرفیت‌ها و زمینه‌های همکاری بسیار در حوزه‌هایی مانند نفت، گاز، تولید نیروی برق از طریق نیروگاه‌های آبی و نیروی انسانی ماهر است. این امکانات زمینه‌های روزافزون همکاری را بین کشورهای این منطقه ترسیم می‌کند.

۱-۱-۴- مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت اکو در رسیدن به اهداف در مصاحبه با دبیر میز اکو در

سازمان توسعه تجارت

در مصاحبه با امید رنجبر دبیر میز اکو و دی-هشت سازمان توسعه تجارت، وی عنوان شد که مهم‌ترین دلیل عدم موفقیت اکو با وجود شرایط مناسب فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی را می‌توان عدم تمایل کشورها دانست.

ایشان در ادامه گفتند: اکو بدون ایران و پاکستان هیچ ارزشی ندارد؛ چرا که کشورهای مثل افغانستان و تاجیکستان قبلاً به سازمان تجارت جهانی (WTO) پیوسته‌اند و ترکیه هم برای جلب رضایت اتحادیه اروپا و پیوستن به آن، تعرفه‌های خود را همچون کشورهای افغانستان و تاجیکستان بسیار کاهش داده است. بنابراین این کشورها با وجود کاهش تعرفه‌هایشان، چه عضو اکو باشند چه نباشند، مانعی بر سر راه همکاری‌شان نیست و تنها وجود ایران و پاکستان (تعرفه‌های نسبتاً بالای برخی کالاهایش) هست که به اکو موجودیت و جذابیت می‌بخشد.

بنظر من مهم‌ترین دلیل وجود تعرفه بالا در کشورمان نبود تولیدکننده در ایران است. ما همیشه گفتیم و می‌گوییم که تولیدکننده داریم، ولی واقعیت اینست که یا نداریم و یا اگر تعداد محدودی داریم، کیفیت بسیار پایینی دارند و توانایی رقابت با خارج از کشور را ندارند. تولیدکنندگان ما می‌گویند، تولید می‌کنیم و دولت باید بصورت مادام‌العمر از ما حمایت کند تا ما کالاهایمان را در داخل بفروشیم.

راه‌حل این مسئله نیز تجربه کشورهای موفق همچون کره جنوبی است، که دولت در کنار حمایت خود از تولیدکنندگان، یک بازه زمانی مشخص (مثلاً پنج یا ده ساله) را برای آنها تعیین کرد و به آنها اولتیماتوم داد، که ظرف این مدت توانایی لازم برای رقابت با بازارهای جهانی را کسب کنند. اما در ایران، کودک صنعت ما چندین دهه است که بالغ نشده و کماکان کودک مانده و نیاز به حمایت دارد، در حالیکه که این رویه فقط آنها را تنبل‌تر و خواهان رانت بیشتری می‌کند.

از دیگر موانع عدم موفقیت اکو، بدبینی طرفین نسبت به یکدیگر است. این وضعیت خود ناشی از تنش‌های بین طرفین و تجربه دی-هشت است. در دی-هشت که کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه هم عضو آن هستند، طرفین بر این مسأله توافق کردند که فهرست امتیازات اعطایی خود را در روز اجرای توافق اعلام کنند. یعنی هیچ کشوری تا قبل از اجرایی شدن توافق، از فهرست کالاهای مشمول تخفیفات تعرفه‌ای دیگری اعضاء اطلاعی نداشته باشد. هنگامی که این اتفاق افتاد مشخص شد برخی کشورها کالاهایی را در فهرست امتیازات اعطایی خود قرار داده‌اند، که هیچ کدام از اعضا صادرات آن کالا را نداشتند. مثلاً مالزی

مارماهی و انبه را در فهرست خود قرار داده بود، درحالیکه کشورهای همچون ایران و پاکستان و ترکیه چنین کالاهایی را تولید یا تجارت نمی کنند.

این تجربه باعث شد که ایران و کشورهای همچون پاکستان و تاجیکستان بر مشخص بودن فهرست کالاها قبل از اجرایی شدن توافق، تأکید کنند، ولی ترکیه تا کنون چنین شرطی را نپذیرفته است. با توجه به حجم بالای کالاها در آکو که ۸۰ درصد کالاها را شامل می شود، اتفاق مشابهی همچون دی - هشت که تنها ۸ درصد کالاها را شامل می شد، یعنی اینکه ایران باید فقط امتیاز بدهد، بدون اینکه امتیاز آنچنانی به دست آورد.

البته این را هم باید اضافه کرد که مشکلات ما صرفاً مربوط به تولید کنندگان و عوامل خارجی نیست، بلکه در ساختارها هم مشکلات جدی وجود دارد. پویایی و پیشرفت اقتصادی نیازمند حکمرانی قانون و شفافیت است. زمانی تولید کننده رغبت تولید و نوآوری دارد، که در بازار داخلی شرایط رقابت و برابری فرصت‌ها وجود داشته باشد.^۱

۲-۴- اتحادیه اقتصادی اوراسیا (Eurasia Economic Union)

ریشه نظری تکوین اتحادیه اقتصادی اوراسیا را بایستی در پیشنهاد نور سلطان نظر بایف، رئیس جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۴ در خصوص تکوین بلوک تجاری منطقه‌ای جستجو کرد. پس از طرح این پیشنهاد، در سال ۲۰۰۰، بلاروس، قزاقستان، روسیه، قرقیزستان و تاجیکستان جامعه اقتصادی اوراسیا را با هدف ایجاد بازار مشترک برای کشورهای عضو به وجود آوردند که از یکستان نیز در سال ۲۰۰۶ به آن پیوست. در سال ۲۰۰۷، روسیه، قزاقستان و بلاروس درباره ایجاد یک اتحادیه گمرکی میان خود به توافق رسیدند. در سال ۲۰۰۹، ابتدا توافقاتی میان مسکو، آستانه و مینسک در خصوص ایجاد تعرفه گمرکی مشترک (ایجاد کد مشترک به جای قوانین داخلی) صورت پذیرفت و در نهایت، توافقات مذکور به امضای رؤسای جمهوری سه کشور رسید و بدین ترتیب، اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۰ میان این سه کشور شروع به فعالیت کرد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ادغام اتحادیه گمرکی منطقه اوراسیا و نیز جامعه اقتصادی اوراسیا و به منظور مدرن سازی همه جانبه، همکاری و بهبود رقابت پذیری اقتصادهای ملی و ایجاد شرایط پیشرفت پایدار برای بهبود شرایط زندگی جمعیت کشورهای عضو ایجاد گردید. این اتحادیه فعالیت خود را رسماً از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۵ آغاز کرد. اوراسیا در مرحله اتحادیه گمرکی است.

^۱ - مصاحبه با امید رنجبر، دبیر میز آکو و دی - هشت در سازمان پیشرفت تجارت

^۲ - اتحادیه اقتصادی اوراسیا، صص ۲-۱



شکل (۲.۱۱) کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا

۱-۲-۴- اهداف اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اهداف و اولویت‌های اتحادیه گمرکی شامل حذف تعرفه‌های گمرکی داخلی کشورهای عضو، ایجاد تعرفه خارجی مشترک و یک بازار واحد گسترده میان روسیه، قزاقستان و بلاروس اعلام شد. ایده تأسیس فضای واحد اقتصادی موجب شد رؤسای جمهور روسیه، بلاروس، قزاقستان توافقنامه ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در سال ۲۰۱۴ امضاء کنند که در اول ژانویه سال ۲۰۱۵ اجرایی شود. هدف این اتحادیه، ایجاد فضای واحد اقتصادی، پیشرفت بازار مشترک و دستیابی به حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه‌های حمل و نقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست‌های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل و نقل اعلام شده است.

ارمنستان در ۲ ژانویه ۲۰۱۵ و قرقیزستان در ۶ اوت ۲۰۱۵ به عضویت کامل اتحادیه اقتصادی اوراسیا درآمدند. در حال حاضر، اعضای این اتحادیه روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان هستند که عضو اتحادیه گمرکی اوراسیا نیز هستند. تاجیکستان، گرجستان، ازبکستان، مولداوی، اوکراین، پاکستان، ترکیه، ایران، چین و ویتنام نیز از دیگر گزینه‌های احتمالی عضویت در این اتحادیه اوراسیا هستند.

۲-۲-۴- مزیت حضور ایران در اتحادیه اوراسیا در مباحثه با دبیر میز اوراسیا سازمان توسعه

تجارت

پیشنهاد انعقاد یک موافقتنامه تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۱۳۹۴ طرح شد و

بعد از گذشت بیش از ۲ سال و اندی مذاکره، موافقتنامه در اردیبهشت ۱۳۹۷ تو سط مقامات کشورمان و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا به امضا رسید و پس از طی مراحل تصویب در مراجع قانونی کشورمان و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا نهایتاً در آبان ماه سال گذشته این موافقتنامه اجرایی شد.

ما در حال حاضر یک موافقتنامه تجارت محدود با اوراسیا داریم چرا که شامل اقلام محدودی از کالاها است. فهرست امتیازات اعطایی ایران به اوراسیا شامل ۳۹۰ کالا است و فهرست امتیازات اعطایی اوراسیا به ایران شامل ۵۰۴ کالا است؛ یعنی مجموعاً کمتر از ۹۰۰ کالای امتیاز داده شده بین طرفین مبادله می‌شود. عنوان دقیق موافقتنامه هم موافقتنامه موقت تشکیل منطقه تجارت آزاد بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو است و این موافقتنامه سه ساله است. در واقع ما در حال حاضر در مرحله اولیه همگرایی اقتصادی قرار داریم و مرحله بعد موافقتنامه تجارت آزاد است که امیدواریم با شروع مذاکرات مربوط و پس از اتمام دوره سه ساله موافقتنامه موقت فعلی، وارد موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا شویم که مرحله دوم از همگرایی محسوب می‌شود.

موافقتنامه تجارت محدود ما با این اتحادیه در ۵ آبان ۱۳۹۸ امضاء شده است و در حال حاضر در جریان است و در قالب آن طرفین امتیازات تعرفه‌ای به یکدیگر داده‌اند. این نکته را هم ذکر کنم که به لحاظ متن، این موافقتنامه، جامعه‌ترین موافقتنامه‌ای است که ایران تا کنون با یک سازمان منطقه‌ای به امضاء رسانده است.

حال چند نکته درباره اهمیت و مزیت اتحادیه اوراسیا هم عرض می‌کنم. اولین نکته اینست که برای اولین بار ایران وارد یک موافقتنامه با یک سازمان منطقه‌ای می‌شود. ما تا قبل از این، موافقتنامه دوجانبه با کشورهای مثل ترکیه و سوریه داشتیم، ولی اینکه با یک اتحادیه موافقتنامه امضاء کنیم سابقه نداشته است. و اگر چه در این موافقتنامه به جهت ماهیت کالایی بودن آن، حمل و نقل بصورت مشخص ذکر نشده است و فقط بحث ترانزیت ذیل موافقتنامه مطرح شده است. اما مذاکرات خوبی برای پیشرفت روابط در حوزه‌های حمل و نقل و بانکی صورت گرفته و در جریان است که خب می‌تواند کمک بسیاری به پیشرفت روابط اقتصادی و تجاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا کند.

نکته دوم را با یک مثال بیان می‌کنم، که می‌گویند جابجایی بی‌شتر کالا بین مرزهای کشورهای، جابجایی کمتر سربازان را به دنبال دارد؛ به عبارتی وجود چنین سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای در کنار مرزهای جمهوری اسلامی، امنیت بی‌شتر این کشورها و در نهایت امنیت بی‌شتر ایران را در پی خواهد داشت. و در ضمن فرصت تجارت را هم برای کشور ما فراهم می‌کند.

نکته مهم دیگر ظرفیت ترانزیتی این منطقه است که به عبارتی خط واصل بین شرق و غرب است، و این مسأله از ظرفیت‌های بزرگ این منطقه محسوب می‌شود که در آینده می‌تواند به‌عنوان یک اهرم فشار و ابزار قدرت در دست کشورهای این منطقه عمل کند.

مسئله مهم دیگر اینست که تا قبل از انعقاد این موافقتنامه، به رغم نزدیکی جغرافیایی کشورها، مبادلات و همکاری‌های اقتصادی کمی بین این کشورها در جریان بود. می‌توان گفت کشورها و حتی تجار به لحاظ اقتصادی، تا قبل از این موافقتنامه، تا حدود زیادی برای یکدیگر ناشناخته بودند، و این موافقتنامه طرفین را متوجه ظرفیت‌ها و بازارهای مرغوب یکدیگر کرد.

ضمن اینکه واردات ما از این کشورها، بیشتر شامل اقلام اساسی نظیر ذرت دامی، جو و روغن خام هست و پیشرفت روابط ما با این منطقه از این جهت کمک قابل توجهی به ما خواهد کرد.

از جمله مزیت‌های ایران برای اتحادیه اوراسیا با توجه به سرمای زیاد و طولانی مدت این منطقه، اغلب محصولات کشاورزی غیر قابل کشت می‌باشند و این کشورها برای رفع این نیاز خود به کشورهایی همچون ایران با توجه به قابلیت‌های ما در زمینه کشاورزی، می‌توانند تکیه کنند.

مسأله دوم ظرفیت دریایی ایران است، چرا که کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا بسیار تمایل دارند تا به بنادر جنوبی ما خصوصاً چابهار وصل بشوند.

از جمله موانع مهم تعمیق همگرایی بین ایران و اوراسیا، وجود تحریم ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران است، که باعث ترس کشورهای اوراسیا از همکاری با ایران شده است.

اما مانع مهم دیگری که مربوط به خود ما است و ربطی به خارج از کشور ندارد، موانع مربوط به قوانین تجارت و تعرفه گمرکی است که ما برای حمایت از کالاهای تولید داخل اعمال می‌کنیم و مقاومتی است که در برابر آزادسازی انجام می‌دهیم، و این مسأله باعث کاهش جذابیت بازار ما برای طرف مقابل می‌شود و جلوی پیشرفت روابط ما با دیگر کشورها را می‌گیرد. البته این نکته را هم اضافه کنم که تجربه نشان داده است، آزادسازی بی مهابا و بی قید و شرط هم راهکار مناسبی نیست و می‌تواند ضربه‌های سنگینی به اقتصاد یک کشور بزند. بزند لذا در این زمینه باید با برنامه ریزی دقیق و توجه به توانمندیها و نقاط ضعف اقتصادی کشور گام برداشت.

مانع سوم، عدم شناخت کشورها و تجار نسبت به ظرفیت‌ها و نیازهای یکدیگر است که البته در این زمینه در این سال‌ها کارهای خوبی شده است.

یکی از راهکارها برای تعمیق همگرایی بین ایران و اوراسیا آزادسازی تجاری بر اساس یک استراتژی کارشناسی شده و دقیق است، چرا که فرصت مقاوم سازی اقتصاد و قابلیت رقابت با کالای خارجی را برای

صنایع ما فراهم می‌کند. به‌علاوه در همین موافقتنامه ایران با اوراسیا شرایطی همچون «safeguard» یا اقدامات حفاظتی پیش‌بینی شده که اجازه برداشتن تخفیفات تعرفه ای را برای کالاهایی که نیاز به حمایت دارند یا در نتیجه ارائه این آزادسازی دچار لطمه شده‌اند، می‌دهد. لذا حرکت به سمت مذاکرات تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و رفع موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای برای طیف وسیعی از کالاها توسط طرفین در طی یک دوره حدوداً ۷ ساله در کنار پیگیری همکاری‌ها در سایر حوزه‌های اقتصادی و تجاری می‌تواند راهکار مناسبی جهت گسترش همکاری‌ها و تعمیق همگرایی بین ایران و اوراسیا باشد.

وجود این موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای که خودمان ایجاد کرده ایم، و همچنین عدم شناخت کافی از بازار طرفین، باعث شده تا سهم ما از ۸۶۵ میلیارد دلار تجارت خارجی اوراسیا، تنها ۲,۴ میلیارد دلار باشد، یعنی حدود ۰,۳ درصد و سهم طرف مقابل هم از تجارت ما تنها ۲ درصد است.^۱

۳-۴- سازمان همکاری اسلامی (Organisation of Islamic Cooperation)

سازمان همکاری اسلامی با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان، یکی از سازمان‌های بین‌المللی کنونی جهان است. این سازمان در واکنش به حریق مسجد الاقصی در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ و با هدف جهت‌دهی به تلاش‌های کشورهای اسلامی در موضوعات بین‌المللی به ویژه مسأله فلسطین ایجاد گردید. سازمان کنفرانس اسلامی دارای ۵ عضو ناظر که تمامی اعضای آن در چهار قاره پراکنده‌اند. بجز کشور آلبانی که در قاره اروپا و سورینام که عضو آمریکایی سازمان است؛ اعضای دیگر از اعضای آفریقایی و آسیایی سازمان هستند. همچنین از لحاظ جغرافیایی به سه گروه آسیایی، آفریقایی و عرب تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف- اعضای ناظر:

بوسنی، جمهوری آفریقای مرکزی، فدراسیون روسیه، تایلند، جمهوری ترک قبرس شمالی.

ب- اعضای اصلی:

کشورهای آسیایی: شامل ۱۴ کشور که عبارتند از جمهوری آذربایجان، افغانستان، ایران، اندونزی، مالزی، برونئی، بنگلادش، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکیه.

کشورهای آفریقایی: شامل ۱۷ کشور که عبارتند از اوگاندا، بورکینافاسو، چاد، توگو، تانزانیا، سنگال، سیرالئون، کامرون، کومور، گابن، گامبیا، گینه بیسائو، مالدیو، مالی، موریتانی، موزامبیک، نیجریه.

^۱ - مصاحبه با الهام حاجی کریمی، دبیر میز اوراسیا سازمان پیشرفت تجارت

^۲ - علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی، ص ۳

^۳ - سازمان همکاری اسلامی، بررسی ناکامی‌ها با تأکید بر عوامل واگرایی، ص ۱

کشورهای عربی: شامل ۲۱ کشور که عبارتند از مصر، عراق، عربستان، بحرین، قطر، امارات، کویت، لیبی، تونس، الجزایر، فلسطین، لبنان، سوریه، سودان، جیبوتی، سومالی، عمان، مراکش، موریتانی، یمن، اردن. آلبانی تنها کشور اروپایی که در سال ۱۹۹۳ به سازمان کنفرانس اسلامی پیوست. سورینام از قاره آمریکا نیز از سال ۱۹۹۶ به این سازمان پیوسته است.

سازمان کنفرانس اسلامی از زمان نخستین اجلاس سران در سال ۱۹۶۹ (رباط- مغرب) تاکنون، اجلاس‌های متعدد در سطح سران و وزیران خارجه برگزار کرده است. اجلاس سران هر ساله، و اجلاس وزیران خارجه هر سه سال یکبار برگزار می‌گردد و میزبانی رسمی باید از سوی اجلاس رسمی مورد تأیید قرار گیرد.

اهداف سازمان همکاری اسلامی هفت مورد است که به ترتیب زیر در منشور آن مشخص شده است:

- ۱- ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو
- ۲- حمایت از همکاری میان کشورهای عضو در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر موارد اساسی و نیز مشورت میان کشورهای عضو در سازمان‌های بین‌المللی
- ۳- تلاش در جهت محو تبعیض نژادی و خاتمه بخشیدن به استعمار در تمام اشکال آن
- ۴- اتخاذ تدابیر لازم برای پشتیبانی از صلح و امنیت بین‌المللی مبتنی بر عدالت
- ۵- هماهنگ کردن تلاش به منظور حفاظت از اماکن مقدس، آزادسازی آنها، پشتیبانی از مبارزه ی فلسطین و کمک به این ملت در جهت بازپس گیری حقوق خود و آزاد کردن سرزمین شان
- ۶- ۶- پشتیبانی از مبارزه تمام ملل اسلامی در راه حفاظت از کرامت، استقلال و حقوق ملی
- ۷- ایجاد فضایی مناسب به منظور ارتقای همکاری و تفاهم میان کشورهای اسلامی و دیگر کشورها^۱



۱- علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی، صص ۳-۴

شکل (۲۰۱۲) موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی

۱-۳-۴- بانک توسعه اسلامی

بانک پیشرفت اسلامی یکی از موسسات بزرگ مالی پیشرفت ای بین‌المللی و از نهادهای تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی محسوب می‌شود. تعداد اعضای بانک در برگیرنده ۵۷ کشور می‌باشد و شرط اساسی عضویت در این بانک عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی است که حیطه آن چهار قاره آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا را پوشش می‌دهد و پنج کشور ایران، عراق، سوریه، لبنان و یمن هم عضو آن هستند. این بانک سرمایه‌گذاری خود را در حوزه‌های «علم، فناوری و تولید، زیرساخت، تحصیلات، سلامتی، کمک‌های بشردوستانه و زنان و دختران» متمرکز کرده است.

۴-۴- سازمان کشورهای در حال توسعه مسلمان (D8)

گروه هشت کشور مسلمان در حال توسعه که اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه در آن عضویت دارند، از جمله پیمان‌هایی است که به منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی و تقویت نفوذ این کشورها در بازارهای جهانی و برقراری گفت‌وگو با کشورهای صنعتی تشکیل گردیده است که به پیشنهاد ارزشمند نجم‌الدین اربکان نخست وزیر اسبق اسلام‌گرای ترکیه شکل گرفته است. وی با سفر به کشورهای عضو در تیرماه سال ۱۳۷۵، زمینه تأسیس این گروه را فراهم آورد.

این کشورها دارای منابع طبیعی بسیار غنی می‌باشند، با این وجود به دلیل عواملی چون وقوع جنگ، بحران‌های مالی و اقتصادی و فقر به اندازه کافی پیشرفت نیافته‌اند. پس از یک سلسله نشست‌های مقدماتی، نخستین اجلاس سران دی - هشت با حضور سه رئیس‌جمهور و چهار نخست وزیر و یک وزیر خارجه با هدف تقویت همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای مزبور و برقراری گفتگو با گروه هشت کشور پیشرفته صنعتی G8 رسماً در تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۷۶ (۱۵ ژوئن ۱۹۹۷) در استانبول آغاز به کار کرد. به نظر می‌رسد گروه دی - هشت با برخورداری از جمعیت و نیروی کاری لازم و منابع عظیم انرژی و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی از عناصر لازم برای تبدیل شدن به قطبی نیرومند در سطح معادلات بین‌المللی بهره‌مند باشد. هر چند این گروه در مراحل نخست همگرایی به سر می‌برد، اما گام‌های برداشته شده در سال‌های اخیر نظیر تقویت همکاری‌های بین‌المللی و امضای معاهده تجارت آزاد با هدف کاهش تعرفه‌های گمرکی نوید بخش گسترش همکاری‌های گروه دی - هشت در حوزه‌های مختلف باشد. از میان اهداف اصلی این تشکل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو
- تقویت موقعیت کشورهای در حال پیشرفت در اقتصاد جهانی
- ایجاد تنوع و موقعیت‌های جدید در روابط بازرگانی
- تقویت حضور در تصمیم سازی در سطح بین‌المللی
- ارتقا سطح زندگی مردم در کشورهای عضو



شکل (۲.۱۳) موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو سازمان دی-هشت

۵-۴- اتحادیه کشورهای عرب (League of Arab States)

در سال ۱۹۳۰ میلادی «نوری سعید» اندیشه اتحاد کشورهای عربی را مطرح نمود و این درحالی بود که «ابن سعود» نیز بعنوان رقیبی جدی در مقابل او عرض اندام می کرد. حمایت دولت انگلستان از ناسیونالیسم عربی، به اندیشه مزبور قوت بخشید. در واقع تشکیل اتحادیه عرب را می توان زاینده تجدید ناسیونالیسم ملت‌های عربی از یکسو و تأیید دولت انگلستان در سال ۱۹۴۱ توسط «آنتونی ایدن» وزیر خارجه وقت انگلستان از سوی دیگر تلقی نمود.

به عبارت دیگر در فاصله میان دو جنگ جهانی، جنبش‌های آزادیبخشی در جهان عرب شکل گرفتند که در مرحله اول خواهان استقلال کشورهای عربی بودند و در مرحله دوم تمایل به وحدت و تشکیل حکومت واحد عربی داشتند. بر این اساس بود که در فوریه ۱۹۴۳، بریتانیا موافقت ضمنی خود را با تشکیل چنین اتحادیه ای اعلام کرد. پس از این موافقت، برخی از سران کشورهای عرب از جمله مصر، عراق، لبنان و سوریه طی سال‌های

۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ میلادی پس از یک رشته ملاقات‌های دوجانبه بر سر تشکیل اتحادیه عرب به توافق رسیدند.

در نشست‌هایی که به همین منظور از هفت سپتامبر تا بیست و پنج اکتبر ۱۹۴۴ در اسکندریه مصر برگزار شد هیأت‌هایی از مصر، لبنان، سوریه، اردن، عراق و عربستان در خصوص تأسیس اتحادیه کشورهای عرب به بحث و گفتگو پرداختند. این مذاکرات در نهایت منجر به امضای موافقتنامه‌ای میان کشورهای مذکور تحت عنوان موافقتنامه اسکندریه شد. براساس مصوبات این موافقتنامه، مقرر گردید کمیته‌ای مأمور تهیه متن اساسنامه اتحادیه عرب شود.

مجموعه این اقدامات در نهایت منجر به امضای اساسنامه اتحادیه عرب در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ از سوی نمایندگان دولت‌های فوق شد. کشورهایی که بعداً به این اتحادیه ملحق شدند عبارت بودند از: لیبی، سودان، تونس، مراکش، کویت، الجزایر، یمن، بحرین، عمان، قطر، امارات، موریتانی، سازمان آزادیبخش فلسطین، سومالی، جیبوتی و کومور. اتحادیه عرب دارای موافقتنامه تجارت آزاد است.



شکل (۲۰۱۴) پرچم اتحادیه عرب

۱-۵-۴- اهداف اساسی اتحادیه عرب

^۱ - روابط خارجی ایران و اتحادیه عرب، صص ۶-۵

اهم اهداف اتحادیه عرب تقویت روابط میان کشورهای عضو و پیشرفت همکاری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، حفظ تمامیت ارضی کشورهای عضو، حفظ اقتدار دولت‌های عرب و تضمین استقلال و حاکمیت آنها، حل دوستانه و مسالمت آمیز منازعات است.

۲-۵-۴- ارکان اتحادیه عرب

از لحاظ ساختاری اتحادیه عرب از سه شورا (اتحادیه، دفاع و اقتصادی)، چند کمیسیون و یک دبیرخانه تشکیل شده است.^۱

۳-۵-۴- صندوق مالی اتحادیه عرب

این صندوق در سال ۱۹۷۶ به منظور تعادل در پرداخت‌ها و ارتقاء تجارت سودمند در جهت تقویت پیشرفت اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه عرب تأسیس و در سال ۱۹۷۷ عملیاتی شد. در حال حاضر ۲۲ کشور عضو صندوق هستند. این صندوق به کشورهای عضو وام پرداخت می‌کند تا بتوانند کسری تراز پرداخت خود را برطرف کنند. این صندوق در سال ۲۰۱۰ به اردن و یمن به ترتیب ۸۴ و ۲۰۰ میلیون دلار وام اعطا کرد. مبلغ وام اعطایی به یمن تا کنون به ۸۰۰ میلیون دلار رسیده است. همچنین در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷ نیز این صندوق وام‌هایی به ارزش ۱۲۷ و ۳۳۲ میلیون دلار به مراکش و مصر اعطا کرد. اهداف اصلی صندوق پولی عرب اصلاح و متعادل سازی پرداخت کشورهای عضو آن، رفع محدودیت‌های پرداختی بین اعضا، بهبود همکاری‌های پولی عرب، تشویق به پیشرفت بازارهای مالی عرب (هموار کردن راه برای یک واحد پول عربی) و تسهیل تجارت بین کشورهای عضو است. گفتنی است کشورهای سوریه، لبنان و یمن نیز عضو این صندوق هستند.

کشورهای ناظر

کشورهای ونزوئلا، اریتره، برزیل و هند به عنوان ناظر اتحادیه عرب فعالیت می‌کنند.^۲

۶-۴- شورای همکاری خلیج فارس (GCC)^۳

شورای همکاری خلیج فارس از جمله سازمان‌هایی است که اگرچه در ابتدای تأسیس آن بر همکاری اقتصادی تأکید شد، اما امنیت منطقه‌ای هم نقشی اساسی در تشکیل آن داشت. شورای همکاری خلیج

^۱ - درباره اتحادیه عرب (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ص ۹

^۲ - <https://www.amf.org.ae/en>

^۳ - <https://b2n.ir/170839>

^۴ - Gulf Cooperation Council

فارس از ۶ کشور تولید کننده نفت یعنی عربستان، قطر، امارات، کویت، عمان و بحرین در حاشیه خلیج فارس تشکیل شده است. اما ایده اصلی شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای به نام شورای همکاری خلیج فارس به هفدهمین کنفرانس اعراب از ۲۵ ژانویه تا ۲۷ نوامبر در ۱۹۸۰ امان پایتخت اردن با حضور دولت‌های عرب خلیج فارس برمی‌گردد. در این اجلاس شیخ جابر آل احمد امیر کویت با دیگر دولت‌های عرب خلیج فارس ملاقات کرد و تفکر ایجاد سازمانی بین کشورهای عربی خلیج فارس ارائه داد. در نهایت با اجلاس دیگری که در ابوظبی که در ۲۴ می ۱۹۸۱ برگزار شد، دبیر کل شورا انتخاب شد. بلافاصله پس از شکل‌گیری شورا، اعضا در جهت تدوین سند سازمانی شورای همکاری خلیج فارس یعنی منشور وارد عمل شدند و در نهایت این سند متشکل از یک مقدمه و ۲۲ ماده، بطور رسمی در ۲۵ می ۱۹۸۱ رسماً به تصویب اعضا رسید. شورای همکاری خلیج فارس در حال حاضر در مرحله اتحادیه گمرکی است.



شکل (۲.۱۵) نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

۱-۶-۴- اهداف سازمان

در چارچوب منشور سازمان، ماده ۴ به اهداف شورای همکاری خلیج فارس اشاره داشته که طی آن اعضا مهم اهداف سازمان را هماهنگی، همکاری، همگرایی و روابط داخلی عملی بین اعضا در تمام زمینه‌ها، تعمیق و تقویت روابط، پیوندها و پیشرفت همکاری‌های عمومی میان مردم در حوزه‌های مختلف، تنظیم قوانین و مقررات مشابه و یکسان در زمینه‌های گوناگون و غیره بیان می‌دارند.

۲-۶-۴- ساختار سازمان

ماده ۵ منشور نیز به ساختار سازمانی- نهادی شورای همکاری خلیج فارس توجه دارد. بر این اساس،

اصلی‌ترین ارکان آن عبارت است از: شورای عالی، شورای وزیران، دبیرخانه و کارگزاری‌های ویژه منطقه‌ای. در این چارچوب، شورای عالی، عالی‌ترین رکن و بخش اصلی تصمیم‌گیری است. این شورا شامل روسای دولتهای عضو بوده که دو بار در سال برای تعیین جهت سیاست‌ها و انتخاب دبیر کل اجلاس برگزار میکنند. شورای وزیران متشکل از وزیران امور خارجه و دیگر وزرائی که از سوی دولتهای عضو منصوب شده‌اند. این شورا ضمن ارائه توصیه و پیشنهاد در همه زمینه‌ها، با اتفاق آراء برای موضوعات مهم و اکثریت آراء برای موضوعات پروسه‌ای رای‌گیری می‌کند. تعدادی کمیته در سطح وزیران وجود دارد که مهمترین این کمیته‌ها، کمیته همگرایی اقتصادی یعنی کمیته همکاری اقتصادی و مالی متشکل از وزرای مالی و اقتصادی دولتهای عضو می‌باشد. دبیرخانه نیز بخش اجرایی و اداری شورای همکاری خلیج فارس است که دبیر کل آن به پیشنهاد شورای وزیران توسط شورای عالی برای دوره سه ساله منصوب می‌شود و به طور مستقل در راستای منافع مشترک دولتهای عضو فعالیت میکند. شورای همکاری خلیج فارس علاوه بر این، دارای کارگزاری‌های ویژه‌ای بوده که متصدی طراحی و اجرای استانداردهای فنی، میانجیگری تجاری بازرگانی و ثبت امتیازنامه‌هاست.



5- کشورهای محور مقاومت

۱-۵- بسترها و ظرفیت‌های تعمیق همگرایی کشورهای محور مقاومت

کشورهای محور مقاومت که به طور مشخص در این گزارش کشورهای ایران، عراق، سوریه، لبنان و یمن را شامل می‌شوند، به رغم داشتن اشتراکات بسیار تمدنی و فرهنگی، موفق به همگرایی مطلوبی نشده‌اند. در زیر به پاره‌ای از این اشتراکات اشاره می‌کنیم:

- ۱- اشتراکات فرهنگی و مذهبی بسیار در این کشورها، که در صورت هوشیاری رهبران سیاسی این کشورها می‌تواند منجر به همگرایی عمیقی بین این کشورها شود.
- ۲- این کشورها جزء کشورهای در حال پیشرفت‌اند که به شدت به دنبال پیشرفت پایدار و رسیدن به رشد و رفاه اقتصادی از طریق حرکت به سمت آزادسازی‌های اقتصادی و خصوصی در سطح محدودتر (برای اینکه قدرت رقابت با بازارهای جهانی را داشته باشند)، هستند.
- ۳- ایران و دیگر کشورهای محور مقاومت، به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از ابزار سازمان‌های منطقه‌ای در این بخش، می‌تواند از طریق ایجاد مناطق آزاد تجاری، با انعقاد موافقت‌نامه‌هایی برای حرکت آزاد کالا و سرمایه و اجرای پروژه‌های مشترک صنعتی و تحقیقاتی، شرایط مؤثرتری را برای افزایش قدرت اثرگذاری این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی ایجاد کند.
- ۴- دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز و وابسته بودن بسیاری از کشورهای قدرتمند غربی و غیر غربی از جمله آمریکا به این منابع^۱.
- ۵- فاصله نزدیک و اشتراکات مرزی بین این کشورها که عنصری بسیار مهم و تأثیرگذار برای تعمیق و موفقیت منطقه‌گرایی در هر نقطه از جهان است، چرا که موجب سهولت عبور و مرور و کاهش هزینه‌های حمل و نقل می‌شود.
- ۶- ظرفیت حضور در اتحادیه‌های اقتصادی مختلفی همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتحادیه عرب، اتحادیه تجارت آزاد اروپا و اتحادیه مدیترانه و عضویت یا داشتن موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه‌های مذکور.

۲-۵- کشورهای محور مقاومت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای مختلف

همانگونه که اشاره شد حضور کشورهای محور مقاومت در اتحادیه‌های اقتصادی مختلفی همچون اتحادیه

^۱- بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه، صص ۹-۱۰

اقتصادی اوراسیا، اتحادیه عرب، اتحادیه تجارت آزاد اروپا و اتحادیه مدیترانه و عضویت یا داشتن موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه‌های مذکور یکی از ظرفیت‌های بسیار مهمی است که در صورت طراحی نقش فعالانه برای هریک از کشورهای محور مقاومت در این اتحادیه‌ها انتظار می‌رود که سطح همکاری کشورهای محور مقاومت با یکدیگر و همچنین با سایر کشورهای منطقه افزایش یابد. جدول زیر آن دسته از اتحادیه‌های اقتصادی را نشان می‌دهد که کشورهای محور مقاومت در آن عضویت دارند یا موافقتنامه تجارت محدود و یا تجارت آزاد با آنها به امضاء رسانده‌اند.

جدول (۲-۱) وضعیت حضور کشورهای محور مقاومت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های همکاری

کشور	ایران	عراق	سوریه*	لبنان	یمن
اوراسیا	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
اگو	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
دی-۸	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
سارک	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
اتحادیه عرب	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
اتحادیه مدیترانه	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
اتحادیه اروپا	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
افتا	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
سازمان همکاری‌های اسلامی	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>

: عضو ناظر / موافقتنامه تجارت ترجیحی یا آزاد

: عضویت

: عدم عضویت

*: عضویت سوریه از تمام اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و موافقتنامه‌ها به حالت تعویق درآمده است.

۳-۵- موانع تعمیق همگرایی کشورهای محور مقاومت

موانع تعمیق همگرایی در بین کشورهای محور مقاومت را می‌توان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی و بین‌المللی و ساختاری دانست:

۱-۳-۵- موانع اجتماعی- فرهنگی

مسئله قومیت: مسئله وجود اقوام گوناگون در کشورهای محور مقاومت با توجه به مرزهای خاکی مشترک آنها و وجود اقوام مشترک در دو سوی مرزها (مثلاً کردها در ایران و عراق) همواره یکی از عوامل بالقوه واگرایی

بوده است و بعضاً تا بدان جا پیش رفته است که رهبران این اقوام، دولت‌های کشورهای همسایه را، یا خود دولت‌ها، کشور همسایه را متهم به پشتیبانی یا سرکوب اقلیت‌های قومی کرده‌اند و این مسئله باعث تیره و تار شدن روابط این کشورها در برهه‌هایی از زمان شده است.

مسئله فرهنگ (مذهب): با اینکه اسلام دین اکثر مردم منطقه جنوب غرب آسیا و کشورهای محور مقاومت است، اما این کشورها نتوانسته‌اند به خوبی از این مزیت فرهنگی - دینی خود و آگاهی دادن به مردم منطقه و بسیج افکار عمومی بهره ببرند. حتی گاهی اوقات تمایل برخی سیاستمداران این کشورها، به غرب و آمریکا (مثلاً جریان المستقبل و سعد حریری در لبنان) باعث بروز واگرایی در سیاست این کشورها با یکدیگر شده است.

۲-۳-۵- موانع اقتصادی

نابرابری سطح پیشرفت اقتصادی اعضاء: از جمله موانع مهم پیشرفت همگرایی بین کشورهای محور مقاومت نابرابری سطح پیشرفت اقتصادی این کشورهاست. بطور کلی نابرابری‌های عظیم در مراحل پیشرفت اقتصادی یا ساختارهای پیشرفت اقتصادی، تسلط یک کشور بر منطقه و نیز سطح بسیار نازل توسعه دیگر کشورهای یک منطقه سبب به حداقل رسیدن منافع حاصل از همگرایی می‌شود. به همین خاطر، سطح نابرابر پیشرفت، باعث می‌شود که برخی از اعضاء یک سازمان منطقه‌ای بیش از دیگر اعضاء رشد کنند، و بنابراین نابرابری‌های اولیه تشدید شود.^۲

هنگامیکه اعضاء یک اتحادیه در مراحل نابرابری از توسعه اقتصادی قرار داشته باشند، مشکل توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع ناشی از همگرایی مطرح می‌شود. از مهم‌ترین مشکلات اتحادیه‌های همگرایی اقتصادی در کشورهای در حال پیشرفت توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منافع همگرایی بین اعضاء آن است. در بیشتر این اتحادیه‌ها اعضاء هستند که معتقدند هزینه‌هایی که در روند همگرایی باید بپردازند، بیش از منافی است که نصیب آنها می‌شود و این خود سبب بروز اختلاف بین آنها و دیگر اعضاء می‌گردد. در این اتحادیه‌ها، به خاطر نابرابری سطح کشورهای عضو، اعضاء پیشرفته‌تر منافع بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند و این ترس در اعضاء کمتر پیشرفت یافته وجود دارد که همگرایی اقتصادی بجای تسریع توسعه اقتصادی آنها سبب عقب ماندگی بیشتر آنها شود.^۳

در مورد کشورهای محور مقاومت، برخی کشورها نظیر ایران از منابع طبیعی فراوان مانند ذخایر عظیم

¹ - Integration in Less Developed Areas, P-319

² - Integration of Less Developed Areas and of Areas in Different Levels of Development, P-279

³ - Theory and Problems of International Economic, P-93

نفت و گاز و مواد طبیعی و معدنی برخوردارند، در حالیکه کشوری مانند لبنان فاقد چنین ذخایر عظیمی است.

مکمل نبودن اقتصاد اعضا: کشورهای محور مقاومت برای برطرف کردن نیازمندی‌های اقتصادی خود بیش از اینکه به یکدیگر وابسته باشند، به کشورهای خارج از منطقه جنوب غرب آسیا وابسته اند. به بیان بهتر این کشورها برای واردات و صادرات خود بیشتر به بیرون از منطقه جنوب غرب آسیا وابسته اند؛ چرا که ایران و دیگر کشورها دارای اقتصاد رانتی مبتنی بر صادرات مواد اولیه (غالباً نفت و گاز) و کشاورزی، و واردات کالاهای صنعتی تکنولوژی‌های فنی و پیشرفته از خارج از منطقه هستند و این خود گاهاً منجر به رقابت این کشورها با یکدیگر برای یافتن مشتری‌هایی، جهت صادرات شان می‌شود. برخی از صاحب نظران معتقدند کشورهای کمتر پیشرفت یافته بیشتر رقیب اقتصادی یکدیگر هستند.^۱ براون می‌گوید: «کشورهای در حال پیشرفت بیش از آنکه با یکدیگر تجارت کنند با کشورهای پیشرفت یافته تجارت می‌کنند.»

۳-۳-۵- موانع سیاسی

بی ثباتی سیاسی: از جمله مهم‌ترین موانع همگرایی در بین کشورهای محور مقاومت بی ثباتی سیاسی حاکم بر این کشورهاست. تقریباً بجز ایران سایر کشورها از یک بی ثباتی شدید سیاسی رنج می‌برند. جنگ‌های داخلی، کودتا، تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی، منازعات قومی و غیره هم در بی ثبات بودن و کاهش مشروعیت کشورهای همسایه ایران تاثیر بسیاری داشته است.

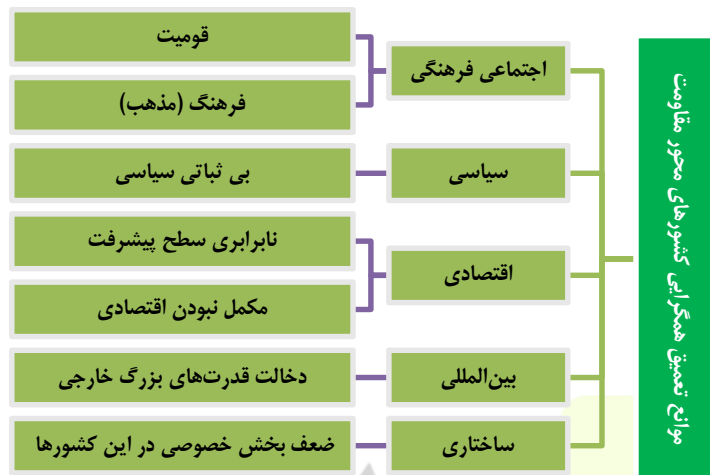
۴-۳-۵- موانع بین‌المللی

دخالت قدرت‌های بزرگ خارجی: دخالت قدرت‌های بزرگ خارجی همچون آمریکا و روسیه در امور داخلی این کشورها و تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان باعث شده است تا روند همگرایی بین کشورهای محور مقاومت با چالش‌های جدی مواجه باشد. با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز در کشورهایی همچون ایران و عراق، همگرایی احتمالی آنان می‌تواند منافع کشورهای غربی را به خطر اندازد. بنابراین منافع غربی‌ها و در رأس آنها آمریکا که اقتصاد شان نیاز مبرمی به نفت ارزان جنوب غرب آسیا دارد، ایجاب می‌کند که به هر نحو ممکن جلوی همگرایی کشورهای منطقه را بگیرند. آنها از ابزارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند.

۵-۳-۵- موانع ساختاری

^۱ - فرآیند همگرایی در اکو و آسه‌آن، صص ۷-۳

ضعف بخش خصوصی در این کشورها: نقش بخش خصوصی پویا و کارآمد در اقتصاد کشورهای محور مقاومت بسیار کم رنگ است. در اقتصاد این کشورها بخش دولتی چیره است و همین مسئله اقتصاد این کشورها و مبادلات تجاری بین آنها را با کندی و سستی مواجهه کرده است. درحالیکه در همه همگرایی‌های موفق مناطق دیگر دنیا، شاهد هستیم که یک بخش خصوصی مستقل و کارآمد بازیگر اصلی اقتصاد کشورهای عضو یک سازمان است.



شکل (۲۰۱۶) مهمترین موانع تعمیق همگرایی کشورهای محور مقاومت

۳-۵-۶- ظرفیت همگرایی کشورهای محور مقاومت در مصاحبه با دکتر کریمی (عضو انجمن مدرسان اقتصاد مقاومتی)

به نظر می‌رسد در ابتدا باید منظورمان از محور مقاومت را مشخص کنیم، بنظر من محور مقاومت کشورهای ایران، عراق، سوریه و غیره نیست، بلکه هر مسلمانی است که به دنبال آزادیخواهی و مبارزه با استکبار جهانی است. اگر بخواهیم هلال شیعی را محور مقاومت بدانیم خود این مسأله منجر به دو دستگی بین مسلمانان می‌شود و نتیجه خوبی نخواهد داشت، سایر مسلمانان و شیعیان در کشورهای مثل عربستان و بحرین ما را به فرصت طلبی و خودخواهی متهم خواهند کرد. بنابراین من تعریف موسع از جبهه مقاومت را می‌پذیرم. معتقدم که این رویکرد تبعات سیاستگذاری خواهد داشت و مسلمانان و شیعیان دنیا را نسبت به ما بدبین خواهد کرد. فرض کنید ما و عراق و سوریه و لبنان بخواهیم با کشوری مذاکره کنیم، بنظر شما آن مسلمان و شیعه ای که در عربستان و بحرین بعضاً مورد ظلم دولتش هم قرار می‌گیرد چه حسی نسبت به ما پیدا خواهد کرد.

حالا وارد مباحث تحلیلی اقتصاد شویم. نکته اول اینکه ما بنا به مبانی اندیشه ای خود ناگزیر به گسترش

اسلام هستیم و هیچ راهی هم نداریم جز اینکه اقتصادمان را تقویت کنیم و با تبدیل شدن به قدرت اقتصادی مبنای دینی خود را هم گسترش دهیم و تبلیغ کنیم. چرا که ما مأمور گسترش فرهنگ اسلامی در دنیا هستیم. پس ما اقتصاد قوی می‌خواهیم نه برای رفاه اقتصادی و بنز سوار شدن، بلکه برای گسترش اسلام و صدور انقلاب. در ادبیات اقتصاد کلان با یک تعریف مضیق سرمایه یک کشور می‌شود سرمایه پولی و مالی آن کشور، اما در یک تعریف موسع سرمایه یک کشور تنها سرمایه مالی نیست بلکه سرمایه اجتماعی، فرهنگی، انسانی، عاطفی و غیره و من معتقدم سرمایه کشورهای محور مقاومت از این نوع است. بنابراین در منطقه ما سرمایه‌های عظیم اجتماعی (که نکته کانونی آن تعاون است)، فرهنگی، انسانی و غیره وجود دارد که ما متأسفانه از آن استفاده نمی‌کنیم. ما نباید نگاه مان به جبهه مقاومت اینطور باشد که بخواهیم از آنها صرفاً برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کنیم. وقتی می‌گوییم جبهه مقاومت یا محور مقاومت پس ثروتمند بودن برادر لبنانی هم باید هدف ما باشد. ما در منطقه ظرفیت‌های بزرگی مثل نزدیکی جغرافیایی داریم و یا زمین‌های حاصلخیز. خود سوریه ای‌ها یک ضرب‌المثل معروف دارند با این مضمون که در سوریه از هر قطعه زمین چهار بار سال می‌توان محصول برداشت کرد که اگر ما زمین‌های کشاورزی و حاصلخیز سوریه را فعال کنیم، می‌توانیم غذای تمام کشورهای محور مقاومت را تامین کنیم. یا بحث مهمتر اینست که پول جبهه مقاومت چه باید باشد؟ ما یک کار مهم داریم انجام می‌دهیم و اسم پول جبهه مقاومت را هم انتخاب کرده ایم، اسمش قوام است و تصویر روی پول هم عکس شهید سلیمانی و سید حسن نصرالله و ابومهدی مهندس و غیره است. پشتوانه این پول هم باید بانک مرکزی جبهه مقاومت باشد.

۷-۳-۵- ضرورت تشکیل زنجیره ارزش منطقه‌ای توسط کشورهای محور مقاومت در مصاحبه با

آقای فرهنگ مجاهد (کارشناس گروه پیشرفت و برنامه ریزی دفتر اقتصادی مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

مهم‌ترین مشکل ما در حوزه روابط بین‌الملل و در منطقه نداشتن یک راهبرد و استراتژی کلی است. بسیاری از کشورهای موفق یک سند کلی و راهبردی برای کنش در حوزه بین‌الملل دارند و آن را مبنا و چراغ راه خود قرار می‌دهند اما ما چنین چیزی نداریم. سیاست‌های ما متکی به اشخاص و افراد و نهایتاً گروه‌های سیاسی است و با رفتن آنها نیز برنامه‌ها کن‌لم یکن شده و دوباره از اول شروع می‌کنیم. خوب با این نگاه نمی‌توان وارد حوزه بین‌الملل شد، کشورها در برقراری روابط شان با ما تضمین بلند مدت می‌خواهند و ما باید قادر به این کار باشیم تا دیگران حاضر شوند با ما کار کنند.

مشکل دوم ما وجود متولیان متعدد در این حوزه و عدم هماهنگی بین آنهاست. مثلاً دقیقاً مشخص نیست در حوزه دیپلماسی اقتصادی کدام نهاد یا سازمان متولی است. کارهای بین نیروهای نظامی، سازمان

توسعه تجارت، اتاق بازرگانی، سفارت خانه‌ها و غیره تقسیم شده و یک ناهماهنگی و سردرگمی در این حوزه داریم.

مشکل سوم آدم‌های تأثیرگذار در این حوزه است که غالباً یک نگاه سیاسی-امنیتی بر ذهنشان حاکم بوده و دید اقتصادی نداشته‌اند، که خود این مساله بسیار مهم است. ما در بعضی از نهادها و سازمان‌های مهم و تأثیرگذار هنوز هم فرمانده اقتصادی و مغز متفکر اقتصادی نداشته ایم و نداریم. نگاه ما به منطقه همواره امنیتی بوده و نه اقتصادی.

مهم‌ترین مانع همگرایی اقتصادی این کشورها اگر ما کشورهای محور مقاومت را شبیه دانه‌های یک تسبیح در نظر بگیریم، بنظر من مهم‌ترین مانع همگرایی نبود یک نخ برای این تسبیح است. ما هنوز نتوانسته ایم نخ پیدا کنیم که این دانه‌ها را کنار یکدیگر نگه دارد. باید منافع مشترک و دائمی تعریف کنیم که این کشورها را بهم بچسباند. یعنی باید در حوزه اقتصاد محورهایی پیدا کرد و در آنها مزیت‌های نسبی (مواد خام، نیروی انسانی، سرمایه و غیره) و سود هر کشور را محاسبه کرد و بر اساس آن کالایی را صادر نمود که به عنوان مثال در کشورهای محور مقاومت مزیت ایران می‌تواند نیروی انسانی یا سرمایه باشد مزیت لبنان می‌تواند بندرگاه‌ها و پتانسیل ترانزیتی آن باشد و غیره. منظور ساخت یک محصول زنجیره ای با شراکت این کشورها بر مبنای مزیت نسبی شان است. پس گام‌ها به ترتیب به صورت زیر است:

۱. شناسایی مزیت؛

۲. طراحی زنجیره؛

۳. محاسبه کمی زنجیره و الگوی توزیع؛

۴. طراحی برنامه اقدام.

6- پیشنهادهایی جهت افزایش همگرایی کشورهای محور مقاومت

با توجه به موانعی که در بخش قبل به آن پرداخته شد، در ادامه پیشنهادهایی جهت پیشرفت همگرایی کشورهای محور مقاومت ارائه می‌شود.

۱- ظرفیت حضور در اتحادیه‌های اقتصادی مختلف

حضور در اتحادیه‌هایی همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتحادیه عرب، اتحادیه تجارت آزاد اروپا و اتحادیه مدیترانه و عضویت یا داشتن موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه‌های مذکور می‌تواند در صادرات هر یک از کشورهای محور مقاومت با نام و نشان تجاری دیگر کشورهای این محور به صورت صادرات مجدد،

ضمن سودآوری اقتصادی، منجر به تعمیق همگرایی بین آنها نیز شود.

۲- تولید مشترک

امروزه یکی از عوامل اصلی تعمیق همگرایی کشورها، تولید مشترک بین آنهاست. با توجه به اتحادیه‌هایی که کشورهای محور مقاومت عضو آن هستند (اتحادیه عرب) و توافقاتی که با دیگر سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای (اتحادیه تجارت آزاد اروپا و اتحادیه مدیترانه) داشته‌اند، و همچنین داشتن ظرفیت ژئوپلیتیکی مناسب و بنادر مهم تولید مشترک کالا و صادرات آن به اتحادیه‌های ذکر شده در تعمیق همگرایی این کشورها بسیار موثر است.

۳- استفاده از ظرفیت‌های بانک‌ها و کمیسیون‌های سازمان‌های منطقه‌ای

با توجه به روابط نزدیکتر کشورهای مثل عراق با کشورهای صاحب نفوذ در سازمان همکاری اسلامی از یک سو و نداشتن نیروهای انسانی و متخصص برای انجام پروژه‌های زیرساختی از سوی دیگر، این کشور می‌تواند با اخذ تسهیلات و کمک‌های مالی از بانک پیشرفت اسلامی و شراکت با ایران (منابع مالی از دیگر کشورها و انجام پروژه از سوی ایران) در این حوزه‌ها مشکلات زیرساختی خود را حل کند. بدیهی این منجر به بهبود روابط کشورمان با عراق یا هر کشور دیگر جبهه مقاومت خواهد شد.

۴- استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیکی کشورهای محور مقاومت

نزدیکی جغرافیایی این کشورها یک موقعیت منحصر به فرد را در اختیار آنها قرار داده است. کشورهای عراق و لبنان و سوریه در اتحادیه عرب و ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توانند از امتیازات موافقتنامه‌های تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی یکدیگر استفاده کرده و کالاهای یکدیگر را با نشان‌های تجاری خودشان به کشورهای عضو اتحادیه مطبوعشان صادر کنند.

۵- همکاری‌های گسترده در زمینه علمی، آموزشی و تحقیقاتی

در این زمینه انتظار می‌رود با توجه به ظرفیتی که دانشگاه‌های ایران دارند، جهت پذیرش دانشجویان توانمند کشورهای محور مقاومت و ادامه تحصیل شان در کشور (بصورت بورسیه) و تربیت آنها و سپس حمایت از آنها برای رسیدن مسئولیت‌های کلیدی در کشورهايشان اقدام نماید.

همچنین همکاری در زمینه‌های علمی و تحقیقاتی (همکاری دانشگاه‌ها و تبادل دانشجو، تأسیس موسسات پژوهشی و اندیشه‌های مشترک)، در جهت تسهیل تبادل اطلاعات و دانش فنی و ارتقاء سطح کیفی تحقیقات با توجه به شناخت بیشتر اندیشه‌های هر کشور از ظرفیت‌های موجود شان، می‌تواند به همگرایی بیشتر این کشورها کمک شایانی کند. همچنین برگزاری همایش‌های سالیانه و تشکیل مجمع نخبگان کشورهای محور مقاومت، متشکل از نخبگان دانشگاهی فارغ از فضای سیاسی نیز

در این امر کمک کننده است.

۶- ایجاد و گسترش نهادهای سرمایه‌گذاری مشترک

کشورهای محور مقاومت می‌توانند با ایجاد و گسترش نهادهای سرمایه‌گذاری مشترک نظیر صندوق مالی مشترک برای اجرای پروژه‌هایی در بخش صنعت و کشاورزی و خدمات اقدام کنند. این کشورها می‌توانند با توافق مشترک، سالانه درصدی از درآمد ملی شان را جهت تامین مالی چنین پروژه‌هایی در صندوق مشترکی جمع‌آوری کرده و پروژه‌های مشترکی را در کشورهای خود یا حتی سایر کشورها انجام دهند.

۷- درخواست همکاری و تعامل کشورهای محور مقاومت با دیگر کشورهای منطقه به صورت

هماهنگ

از آنجا که غالب کشورهای دنیا در عرصه روابط بین‌الملل، تعاملات و مراودات خود با دیگر کشورها را بر اساس هزینه و فایده ای که برای آنها خواهد داشت، تنظیم می‌کند، طبیعی است که اقدام مشترک کشورهای محور مقاومت در منطقه و جهان می‌تواند جذابیت بیشتری نسبت به اقدامات فردی آنها داشته باشد. در این صورت هزینه مراوده با آنها به ضرر فایده آن، کاهش پیدا می‌کند.

اگر این کشورها مراودات اقتصادی و تجاری خود با سایر کشورهای منطقه را بر اساس یک اتحادیه گمرکی انجام دهند، در جذب کشورهای دیگر موفقیت بیشتری به دست خواهند آورد. البته این اقدام هماهنگ می‌تواند به لحاظ سیاسی هم صورت گیرد و در این صورت تأثیری دو چندان بر مراودات اقتصادی این کشورها با دیگر کشورهای منطقه خواهد داشت.

۸- استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی (مکتوب، دیداری، مجازی و غیره)

تجربه اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که کشورهای عضو این اتحادیه جهت تعمیق همگرایی بین خودشان و ساختن یک هویت مستقل برای اتحادیه و کلیت اروپا، سالانه مبالغی را برای تهیه فیلم‌ها، مستندها، جشنواره‌های هنری و فرهنگی و غیره از میراث مشترک فرهنگی، تاریخی، مذهبی کشورهای عضو اتحادیه اختصاص می‌دهند. در این میان کشورهای محور مقاومت می‌توانند با الگوبرداری از تجربه اتحادیه اروپا، متناسب سازی این تجربیات با بوم زیستی منطقه و همچنین استفاده از رسانه‌های صوتی و تصویری با زبان فارسی و عربی در جهت تبلیغ مشترکات فرهنگی-تاریخی این کشورها و آرمان مقاومت و پیوند دادن جوامع این کشورها اقدام کنند.

۹- ایجاد یک شبکه ترابری (خط لوله گاز و نفت و برق، ساخت جاده و راه و اتصال ریلی) از ایران

تا سوریه

با ایجاد یک شبکه ترابری چند بعدی و انجام اقداماتی در این زمینه، زیرساخت مناسب جهت انجام پروژه‌های مشابه مهیا شده، که می‌توانند در جهت تعمیق همگرایی و گسترش روابط تجاری چندجانبه موثر باشد. همچنین این پروژه‌ها می‌توانند با اتصال ایران به دریای مدیترانه، ظرفیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مهمی در زمینه ی صادرات ایران به کشورهای همسایه سوریه را هم فراهم کند.

۱۰- انعقاد پیمان‌های دفاعی و امنیتی مشترک

کشورهای محور مقاومت با توجه به نزدیکی جغرافیایی و همسویی ایدئولوژیک این کشورها، با تهدیدها و مخاطرات امنیتی و نظامی مشترکی روبرو هستند و تهدید امنیت هر یک از کشورها منجر به ناامنی در مرزها و یا کشیده شدن درگیری به داخل دیگر کشورها خواهد شد. بنابراین پیمان‌های امنیتی و دفاعی مشترک بدین صورت که برای مثال، اعلام جنگ علیه هر یک از این کشورها به منزله حمله به دیگر کشورها تلقی شود، می‌تواند علاوه بر تامین امنیت کشورها زمینه تعمیق همگرایی آنها را نیز فراهم کند.

